

فصل اول

مقدمه

آموزگاری که با روش فعال در دبستان کار میکند وظیفه هایی به شرح زیر را به انجام می رساند:

- طراحی برنامه با همکاری شاگردان و تقسیم و تعیین وظیفه ها
- ایجاد موقعیت و فرصت مناسب برای فعالیت
- نظارت و راهنمایی (منظور از راهنمایی سخنرانی کردن و نصیحت کردن به طور مفصل نیست بلکه آموزگار باید در تمام مراحل ناظر بر فعالیت همه شاگردان باشد هرگاه آنان را نیازمند کمک و راهنمایی یافت از یاری دریغ نکند).
- توجه به این اصل که نوآموزان در ضمن کار و عمل می آموزند.

تفاوت تدریس با آموزش

این دو کلمه مترادف یکدیگر نیستند وقتی میگوییم آموزگار در کلاس تدریس می کند به فعالیتی از جانب آموزگار اشاره کرده ایم ولی معلوم نیست آیا در نتیجه این تدریس کودکان هم چیزی یاد گرفته اند یا خیر. / از سوی دیگر به طوری که میدانید اسم مصدر «آموزش» در زبان فارسی هم به معنی فعل لازم است و هم به معنی فعل متعدی یعنی هم به وظیفه و کار آموزگار اشاره میکند و هم به کار دانش آموز.

تعریف هدف برنامه و روش

این یادآوری لازم است که هر آموزگاری نه تنها باید آگاهی شایسته ای درباره هدف آموزش و پرورش دبستان داشته باشد بلکه باید پیش از هر یک ساعت حضور در کلاس به کاری که میخواهد انجام دهد با دید فلسفی بنگرد و از خود بپرسد که چرا میخواهد آن کار را انجام بدهد.

در اصطلاح آموزش و پرورش جدید برنامه عبارت است از مجموع فعالیتهایی که کودکان در داخل و بیرون آموزشگاه برای اجرای هدفهای خاص به کمک و راهنمایی آموزگاران خود انجام میدهند (دیگر اصطلاح فوق برنامه معنی ندارد).

تعلیم روش در واقع تکمیل اطلاعات کلی و تفویض هویت و اعتبار بیشتری به معلم است تا به ابتکار خود بتواند طرز کار و رفتار خود را برحسب موقعیت تازه در کلاس معین کند.

هر معلمی پیش از آنکه بداند چگونه باید درس بدهد باید بتواند جواب پرسش های چرا درس میدهد و چه باید درس بدهد را نیز بداند هدف در جواب «چرا» گفته میشود برنامه پاسخ چه چیز را میدهد و روش در ضمن توضیح چگونه معلوم میشود.

مهارت یا هنرهای زبانی

هنر: پیشه، مردانگی و فضیلت / مهارت: کیفیتی از فن که با لطف تناسب و زیبایی همراه باشد.

فن ← مهارت ← هنر

تفاوت بین روش تدریس زبان فارسی و آموزش مهارت‌های زبانی این است که وقتی از تدریس زبان فارسی در دبستان گفته میشود همه به یاد روخوانی املا انشا دستور و مشق خط میافتند در صورتی که غرض از مهارت‌های رونویسی زبانی گوش کردن سخن، گفتن، خواندن، نوشتن، تفکر نقد و تحلیل است. برای آموزش مهارت های زبانی لازم نیست که در جدول ساعات درس یک ساعت مخصوص گوش کردن و ساعت دیگر مخصوص حرف زدن باشد بلکه منظور این است که در ضمن هر کار و فعالیتی، لحظات زندگی هر دانش آموز مانند زندگی بزرگسالان با گوش کردن حرف زدن و نوشتن آمیخته است.

برنامه آموزش مهارت‌های زبان در دبستان

برنامه آموزشگاه های پیشرفته با توجه به ارتباط درسها به زندگی اکنون و آینده کودک، آنها را به ترتیب زیر تقسیم بندی میکند:

- مهارت های زبانی (به جای آن که به به درسهای قرائت دستور املا و انشا تقسیم شوند و هر کدام از آنها به طور جداگانه تدریس شوند شامل فعالیت های گوش دادن، سخن گفتن، خواندن، نوشتن هستند.)
- بررسی های اجتماعی
- حساب هندسه و علوم
- ورزش و بهداشت
- آداب زندگی

باید توجه داشت که مهارت های زبانی به عنوان موضوع درسی جداگانه و هر کدام در یک ساعت مجزا تدریس نمیشود این امر مهمترین امتیاز و تفاوت برنامه های جدید نسبت به برنامه های قدیم است. توجه به این موضوع که پیشرفت صحیح و مؤثر، زبان چه شفاهی و چه کتبی با همه فعالیت هایی که دانش آموز در آموزشگاه انجام میدهد ارتباط دارد به این نتیجه منتهی شده است که تدریس زبان به صورت مواد گوناگون در جلسات جداگانه در دبستانهای مترقی دیگر مرسوم نیست درسهای مربوط به زبان مواد مستقلى نیستند؛ بلکه بیان کتبی یا شفاهی و همچنین دریافت و پذیرش و درک صحیح از راه گوش دادن و خواندن در واقع فن ها یا بهتر بگوییم مهارت هایی هستند که باید همراه با فعالیتهای گوناگون در آموزشگاه آموخته شوند.

در دبستان های معمولی: توجه به کاربرد صحیح زبان تنها در کلاسهای قرائت و دستور یا انشا عملی میشود / به ندرت آموزگاران درس های، دیگر اشتباههای شاگردان را در روش صحبت کردن یا خواندن و نوشتن تصحیح میکنند و راهنماییهای لازم را به عمل می آورند / کوشش معلم غالباً در راستای تحقق این هدف است که نوآموزان بیشتر اوقات ساکت باشند و بی حرکت بنشینند و اگر خواستند مطلبی اظهار کنند به طور صحیح و با رعایت قواعد دستور و اصولی که معلم یاد داده است آن را بیان کنند.

در دبستان های مترقی: نوآموز را تشویق می کنند فکر خود را به طور، آزاد به نحوی که شخصیت او را نشان دهد و متناسب با موقعیت، باشد اظهار کند / هدف اصلی این آموزشگاه ها تربیت کودک به عنوان فردی متفکر است.

ارتباط مهارت های زبانی با یکدیگر

مطالعات جدید روشن میسازند که مهارت‌های زبانی همه به هم پیوسته اند. / برای اینکه نوآموزان بتوانند از عهده خواندن کلمه ای به خوبی برآیند باید قبلاً آن کلمه را ضمن گفت و گوهای خود به کار برده باشند و معنی و مفهوم آن کلمه برایشان روشن باشد. / همین طور وقتی نوآموزان میتوانند کلمه ای را درست بنویسند که قبلاً آن را خوانده و فهمیده باشند. / نوشتن نیز باید تابع هدف و منظوری باشد هدفی که برای خود نوآموز معلوم و روشن است. / نوشته باید به پیروی از نقشه و برنامه ای معین به منظور برقراری روابط اجتماعی برای رفع نیازی یا برای بیان احساس به کار رود.

ارتباط مهارت‌های زبانی با درس های دیگر

بهتر است آموزگار بتواند به جای مراعات جدول ساعات هفتگی برای کار و فعالیت شاگردان در کلاس خود برنامه روزانه یا هفتگی تنظیم کند؛

- معمولاً انشا یا نوشتن در هر کار و فعالیتی ضرورت پیدا میکند. (مانند خبر و گزارش نامه)
- لزومی ندارد که املا به صورت درسی مستقل و در ساعتی به خصوص تدریس شود (زیرا هرگاه شاگردی قلم را روی کاغذ میگذارد با قاعده ها و هنجارهای دستور خط فارسی سروکار دارد و آموزگار در همان موقع باید راهنمایی های لازم را به عمل آورد).
- هنگام تدریس حساب، علوم، بررسی های اجتماعی و هر درس دیگری مهارت‌های زبان به عنوان وسیله ی آموزش مورد استفاده معلم و شاگرد هر دو قرار میگیرند در همان جا که نظر اصلی آموزگار تعلیم مطالبی مثل در مورد تاریخ یا جغرافیاست، هر تذکری را که برای بهبود و اصلاح فرا گرفتن مهارت‌های زبان لازم میدانند نیز از نظر دور نمی سازد.

توجه به دنیای کودک

هدف هرگونه کار و فعالیتی در درجه اول برای خود نوآموز باید روشن باشد یعنی او باید بداند که هر تکلیفی را برای چه انجام می دهد و در همان حال نسبت به نفس انجام آن تکلیف رغبت و علاقه داشته باشد نه به نتایج مشروط آن؛ مانند نمره و تشویق. وقتی با در نظر گرفتن مختصات سنی کودکان دبستانی در کارها و فعالیت‌های آزاد آنان دقیق میشویم میبینیم این کودکان حالات زیر را از خود بروز میدهند؛

- حرکت جنبش بازی و تفریح به ویژه بازیهای گروهی را دوست دارند
- حس تقلیدشان قوی است و میل دارند کارهای بزرگترها را تقلید کنند
- به اجرای بسیاری از مراسم و آداب ملی به طور جمعی شوق زیادی نشان میدهند.
- نسبت به محیطی که در آن زندگی میکنند کنجکاو هستند و غالباً پرسش میکنند.
- خیلی پرگو هستند و غالباً هم صدا صحبت میکنند و تحمل رعایت نوبت خود را ندارند.
- از گوش دادن به قصه و سرود خواندن خوششان می آید
- دوست دارند وسایل و ادواتی از کاغذ چوب و ... درست کنند و گاهی از خراب کردن آنچه درست کرده اند نیز لذت میبرند.
- ترسیم شکل و نقاشی با قلم مو یا مدادرنگی در نظرشان خیلی جالب است.

بر خلاف اینکه ما فکر میکنیم اگر از میل کودکان تبعیت کنیم تمام وقت صرف تفریح و بازیگوشی میشود و درس خوانده نمیشود اتفاقاً این نوع مزیت برای کار تعلیم و تربیت است. شاید بهترین تعریفی که میتوانیم برای هدف آموزش و پرورش در دبستان ذکر کنیم این است که هر گونه کار و کوششی در دبستان در درجه اول باید پاسخگوی نیازهای اکنون کودکان، باشد به گونه ای که آن فعالیتها در زندگی آینده کودکان نیز سودمند و نتیجه بخش واقع شوند.

ضرورت دارد محیط، دبستان کلاس درس و همه ساعاتی زندگی شاگرد در دبستان را به میدان کار و فعالیت تبدیل کنیم مهمترین مهارت ما این است که طوری کار و کوششهای شاگردان را هدایت کنیم که به آنچه برای یک زندگی خوب و صحیح لازم است عمل کنند و با کار و عمل راه زندگی خوب در آینده را نیز یاد بگیرند. برخی از هدفهای مهمی که در آموزش مهارتهای زبان فارسی در دبستان قابل ذکرند، عبارت اند از:

- بیان فکر و عقیده و تبادل افکار و عقاید در محیطی آزاد
- غنی ساختن زندگی شخصی و بهبود بخشیدن و دل پذیر ساختن تفهیم و تفاهم در روابط اجتماعی بین افراد از طریق مهارتهای زبانی
- ارتباط با مردم زمان حال و گذشته و از میان برداشتن فاصله های زمان و مکان
- اهمیت دادن به زبان فارسی
- شناختن زبان فارسی به عنوان وسیله ی مهم یادگیری و استفاده از آن در همه درس ها.

برنامه درسی

واژه برنامه درسی به معنای میدان مسابقه و یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به هدف مورد نظر دست یابند از لحاظ تاریخی مدارس همواره محیطی شبیه به یک میدان مسابقه را برای دانش آموزان تدارک دیده اند. زیرا تمامی دانش آموزان باید مجموعه ای از مواد موضوعات و محتوای آموزشی را که برای تمام آنها یکسان و استاندارد است، فرا گیرند. از این رو تمام دانش آموزان برای طی برنامه درسی، رسیدن به خط پایان و دریافت گواهینامه یا مدرک، تحصیلی در یک حالت رقابت با یکدیگر قرار داشته باشند.

در طول قرون گذشته با وجود روشن بودن معنی لغوی برنامه درسی برداشتهای متفاوتی از این مفهوم در حوزه تعلیم و تربیت شده است؛ از جمله اینکه برنامه درسی عبارت است از:

- مجموعه ای از دروس یا برنامه ای برای مطالعه
- فهرست رئوس مطالب
- محتوای یک درس یا مجموعه ای از دروس
- برنامه زمانی برای تدریس دروس
- مجموعه ای از اهداف و مقاصد
- مجموعه ای از تجارب یادگیری
- شیوه تفکر
- یک طرح

تعاریف برنامه درسی

از آنجا که مفهوم برنامه درسی در طول تاریخ دستخوش تغییر و تحول بوده است در این قسمت از بین تعاریف متعدد به تعدادی از آنها اشاره میشود تا از مجموعه آنها بتوان به نظری جامع و کامل دست یافت.

فرانکلین بوبیت ← فعالیتهایی که کودکان و نوجوانان باید انجام دهند تا توانایی انجام فعالیتهای ضروری برای زندگی بزرگسالی در آنها به وجود آید.

کازول و کمپبل ← تمامی فعالیتهایی که توسط کودکان تحت راهنمایی و نظارت معلمان انجام میشوند.

سیلر و الکساندر ← تمامی فعالیتهایی که تحت نظارت مدرسه برای به وجود آمدن نتایج مطلوب و مورد نظر در داخل و خارج از مدرسه انجام میگیرند.

هیلدا تابا ← برنامه درسی بیش از هر چیز نحوه آماده سازی نسل جوان جامعه به صورت افرادی سازنده و مفید برای آن جامعه تلقی میشود.

رونالد دال ← برنامه درسی عبارت است از محتوا و جریانی رسمی و غیررسمی که از طریق آن یادگیرنده تحت نظارت، مدرسه معلومات و شیوه فهمیدن را کسب کند مهارتها را فرا میگیرد و نگرش ارزش گذاری و ارزشها را تغییر میدهد.

سیلر الکساندر و لوئیس ← طرحی به منظور آماده کردن مجموعه ای از فرصتهای یادگیری برای افراد تحت تعلیم

آیزنر ← برنامه درسی عبارت است از یک سلسله وقایع آموزشی طراحی شده که به قصد تحقق نتایج آموزشی برای یک یا چند دانش آموز پیش بینی شده اند.

کانلی و لنتز ← برنامه درسی مجموعه ی وسیعی از شیوه های تفکر درباره تجربیات بشر است. آنچه در این فرایند اهمیت دارد فرایند تفکر است نه نتایج یادگیری و میراث فرهنگی.

میتوان گفت برنامه درسی مجموعه ای از دانشها مهارتها و نگرشهایی است که دانش آموز طی فعالیتهای رسمی و غیر رسمی مدرسه کسب میکند یا در خود تغییر می دهد.

برنامه ریزی درسی

این نوع برنامه ریزی با یادگیری ارتباط نزدیکی دارد و به طراحی عناصر و عوامل متفاوت آن مربوط می شود. فرایند یادگیری تابع عوامل گوناگونی است که هر یک در جریان و چگونگی یادگیری تأثیر دارند این عوامل عبارت اند از: استعدادها و تواناییهای و فراگیرنده، محتوای برنامه درسی؛ نقش معلم ارتباط متقابل شاگردان، فضای یادگیری وسایل آموزشی. این عوامل باید به صورت مجموعه ای به هم پیوسته عمل کنند و هر عامل جزئی از کل محسوب شود. بنابراین برنامه درسی مجموعه قواعد و ضوابطی است که به همه عوامل و عناصر یادگیری منطبق و سازمان میدهد و به فعالیتهای یادگیری نظام میبخشد.

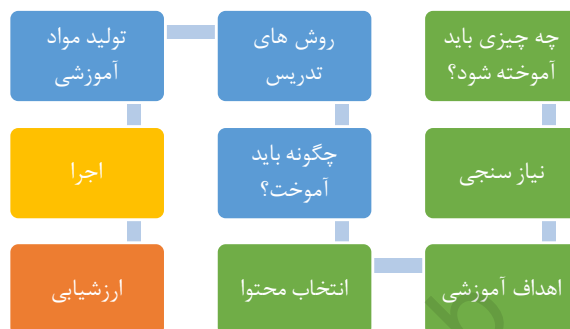
ویژگی های برنامه ریزی درسی

۱. برنامه ریزی درسی ماهیت علمی و عملی دارد. برنامه درسی اصول و قواعدی دارد که متخصصان در مورد آنها به اجماع رسیده اند؛ رعایت این اصول و قواعد برای علمی شدن برنامه درسی لازم و ضروری است. / صرفاً با مطالعه و

راهنمای آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی

تحقیق نمی توان در برنامه ریزی درسی مهارت یافت بلکه باید برنامه ریزی درسی را عملاً انجام داد تا مهارت به تدریج حاصل شود.

۲. برنامه ریزی درسی فرایند است. فرایند با حرکت رو به توسعه همراه است هر کاری که در مراحل متوالی انجام گیرد و هر مرحله آن پیشرفته تر از مرحله قبل باشد جنبه فرایندی دارد. در فرایند برنامه ریزی درسی ضمن اینکه هر مرحله تا حدود زیادی ماهیت و موجودیت خود را از مرحله قبل میگیرد انتظار می رود هر مرحله کاملتر از مرحله قبل باشد. مراحل برنامه ریزی درسی: (در این مراحل اثر بخشی با ارزشیابی سنجیده می شود. در صورتی که فعالیت انجام شده اثر بخشی نداشته باشد، مرحله ی اجرا دوباره تکرار می شود).



۳. برنامه ریزی درسی کار جمعی است. برنامه درسی با تخصصهای گوناگون ارتباط دارد؛ بنابراین برای تهیه آن باید از متخصصهای گوناگونی استفاده کرد. ضمناً هر جمعی نیز توانایی این کار را ندارد؛ مثلاً چون برنامه درسی جنبه روان شناختی دارد، وجود روان شناس نیز در جمع برنامه ریزان درسی لازم است. سایر تخصصها نیز همین موقعیت را دارند.

۴. برنامه ریزی درسی تداوم دارد. برای برنامه ریزی درسی نمیتوان پایانی تصور کرد. بلکه از طریق بازخوردهایی که از چگونگی اجرا و تأثیر برنامه در یادگیری به دست می آید برای اصلاح آن اقدام می شود هیچ اصلاحی نیز پایان کار برنامه ریزی درسی تلقی نمی شود و نظارت دائم بر آن الزامی است

۵. برنامه ریزی درسی پژوهش محور است. نیازسنجی به منزله نخستین مرحله برنامه ریزی درسی کار پژوهشی است.

۶. برنامه ریزی درسی به دوره تحصیلی و ماده درسی وابسته است. برنامه ریزی های درسی علاوه بر قواعد و اصول کلی مشترک با توجه به ماهیت دوره تحصیلی و نوع درس وجوه تمایز نیز دارند برنامه ریزی برای دوره ابتدایی با برنامه ریزی برای دوره های بالاتر تفاوتهای اساسی دارد. درک این تفاوتها به تهیه برنامه درسی مطلوب کمک می کند برای مثال رویکرد « تلفیق دروس بیش از دیگر دوره ها در سازمان دهی محتوای دوره ابتدایی موضوعیت دارد و به آن توجه میشود. دوره های دیگر نیز هر کدام ویژگیهایی دارند که برگرفته از ماهیتشان است [ملکی، ۱۳۶۸]

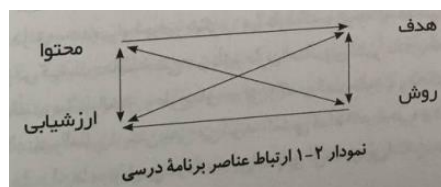
عناصر برنامه درسی

برنامه درسی به منزله ی طرح و نقشه ،یادگیری چند عنصر اصلی و مجموعه ای از عناصر فرعی دارد که شناخت آنها برای کسانی که در این حوزه مطالعه و تفکر میکنند کاملاً ضروری است. منظور از عناصر اصلی مؤلفه ای مهمی است که در یادگیری تأثیر گذارند.

- هدف: بدون این ،عنصر جریان یادگیری باعث رشد جهت دار یادگیرنده نمیشود
- محتوا: بدون تردید باید چیزی به یادگیرنده آموخت تا او به هدف خود برسد.
- عنصر سوم روش است، محتوا هر قدر هم مناسب و مهم باشد بدون آموزش در وجود یادگیرنده به رفتار تبدیل نمیشود این در حالی است که از طریق روش مفاهیم فهمیده، مهارت ها کسب و ارزش ها درونی می.شوند.
- ارزشیابی: اگر برای برنامه درسی «حیات» و «مرگ» تصور کنیم این دو به انجام دادن و یا انجام ندادن ارزشیابی بستگی دارند.
- برنامه درسی عناصر و اجزای فرعی (تبعی) هم دارد که با توجه به عناصر اصلی تعیین میشوند و در کیفیت عناصر اصلی هم تأثیر دارند؛ عناصری نظیر عکس / تصویر / جدول / نمودار / فعالیت / دستورالعمل و طرحهای جزئی تر که به قصد تقویت و تحکیم یادگیری - و هم سو با عناصر اصلی - پیش بینی میشود.

ارتباط عناصر برنامه درسی

موضوع تأمل پذیر دیگر آن است که ارتباط عناصر و اجزای برنامه درسی نه به صورت خطی، بلکه به صورت متقابل (تعاملی) است. با این منظور معمولاً در فرایند برنامه ریزی درسی به صورت متوالی عمل میکنیم؛ اما در عرصه عمل باید در انتظار تأثیر از پایین باشیم و با انعطاف مواجه شویم. برای مثال معمولاً «محتوا» را بعد از «هدف» انتخاب میکنیم؛ یعنی با توجه به هدف به گزینش مجموعه ای از مفاهیم مهارت ها و نگرش ها میپردازیم این کار اقدامی منطقی و لازم است، زیرا نمیتوان یادگیری را بدون تدبیر قبلی مدیریت کرد ولی باید توجه داشت که مدیریت یادگیری مانند مدیریت صنعتی نیست که بتوان از قبل همه چیز را درباره ی همه ی اجزا پیش بینی کرد و تصمیمات قاطع گرفت؛ بلکه در فرایند یادگیری باید در انتظار پدیده های جدید بود. این پدیده های نو بر اثر ارتباط متقابل اجزا به وجود می آیند.



روش های طراحی برنامه درسی

منظور از روش طراحی برنامه درسی روش تعیین عناصر برنامه درسی است. تایلر عناصر برنامه درسی را اهداف و مقاصد تجربیات یادگیری محتوا و موضوع درسی سازماندهی و ارزشیابی میدانست. زایس عناصر برنامه درسی را متشکل از هدف، محتوا فعالیتهای یادگیری و روشهای ارزشیابی میشناخت. بوشامپ عناصر برنامه درسی را شامل، هدف، محتوا، انواع فرصت های یادگیری، سازماندهی محتوا، روش ارائه، روش پاسخ و ارزشیابی میدانست. گودلد و کلاین عناصر برنامه درسی را متشکل از ۹ عنصر میدانند اهداف و مقاصد، محتوا، مواد و منابع، فعالیت ها، راهبردهای تدریس، ارزشیابی، گروه بندی، زمان و فضا. اش مینویسد که توافق عمومی متخصصان به طور گسترده بر این پنج عنصر برنامه درسی قطعی است چارچوب فرضیات در خصوص جامعه و یادگیرنده اهداف و مقاصد محتوا یا مواد

درسی با عنایت به انتخاب وسعت و توالی روش انتقالی و ارزشیابی. هر برنامه درسی با یک دیدگاه و جهت گیری اجتماعی و فلسفی شروع میشود بنابراین به اندازه تعداد دیدگاهها و فلسفه های تربیتی میتوان طراحیهای متفاوتی از برنامه درسی ارائه داد به همین دلیل تعاریف متعددی از برنامه درسی و طراحی آن به عمل آمده است.

هر برنامه درسی دو بعد کلی دارد طرح و ساختار. در بعد طرح کار برنامه درسی مفهومی کردن واقعیات مردم و جهان است و از این طریق؛ نسبت به جهان و مردم آن آگاهی پیدا میکنیم در بعد دوم یعنی، ساختار مجموعه ی مفاهیم به یادگیرنده منتقل میشود. پس برنامه ریز درسی، مفاهیم موجود در یک رشته درسی را دوباره به زبان دانش آموز مفهوم سازی میکند و آن را از طریق ساختاری مناسب به او منتقل میکند. امروزه بالغ بر ۲۶ طرح متفاوت برنامه درسی به ثبت رسیده است که کار انتخاب را برای برنامه ریزان مشکل میسازد. دکتر قورچیان و تن ساز از بین طرحهای موجود، شش طرح کلی را معرفی کرده اند که به طور خلاصه بررسی میشود:

۱. طراحی برنامه درسی بر اساس پایه مشترک: توجه به آموزش عمومی که در آن به مسائل جامعه بیشتر توجه می شود یعنی اینکه جامعه مسائل و دردهای مشترک دارد و زبان علمی مشترک میخواهد. بنابراین فلسفه وجودی برنامه مشترک این است که دروسی را مشترک انتخاب کنیم که این دروس برای تمامی آموزان مشترک باشند تا از این طریق بتوان ارتباط اجتماعی لازم را برقرار کرد.

پس از آن مسئله انتخاب پایه های مشترک پیش می آید که چگونه باشد. آیا به صورت اجباری مطرح شوند یا به صورت اختیاری؟ در اینجا دو دیدگاه وجود دارد یک برنامه درسی مشترک آزاد که در آن مسئولیت انتخاب، محتوا منابع فعالیت ها و راهبردهای یاددهی- یادگیری کاملاً در اختیار معلم قرار داده میشود. دوم برنامه درسی مشترک از پیش تعیین شده است یعنی ما از قبل جامعه و دانش آموز را میشناسیم با یادگیری و روان شناسی یادگیری آشنا هستیم رشته ها و مواد درسی متفاوت را میشناسیم و بر اساس این شناسایی برنامه ای مشخص را برای دانش آموز تهیه می کنیم. (بر اساس موضوعات و مواد جداگانه یا انتخاب دروس به صورت به هم پیوسته)

۲. طراحی برنامه درسی به شیوه میان رشته ای

بر اساس این روش میتوانید مفاهیم مشترک را از علوم متفاوت بردارید و به عنوان یک رشته مستقل یعنی یک رشته ی میان رشته ای ارائه دهید به عبارت دیگر، میتوان ابعاد گوناگون یک پدیده را از دیدگاههای علوم دیگر بررسی کرد و در یک مجموعه آورد.

۳. طراحی برنامه درسی به شیوه مسئله مداری و جامعه مداری

در این روش طرح برنامه درسی با توجه به جامعه و نیازهای آن تنظیم میشود؛ این روش میگوید جامعه را مطالعه کنید و برنامه درسی را بر اساس مسائل جامعه طراحی کنید.؟ باید ابتدا نیازها را مفهومی کرد و سپس این مفاهیم را از طریق ساختاری خاص به دانش آموزان انتقال داد.

۴. طراحی برنامه درسی به شیوه موضوع مداری و رشته مداری

انسان موجودی سازمان یافته است و صرفاً مجموعه ای از عناصر فیزیولوژیکی نیست. انسان دارای کلیت است و قابلیت «شدن» دارد به زبان دیگر انسان در جست و جوی معنا گفته اند. معتقدند که باید از طریق موضوعات درسی متفاوت این جنبه های هوشی انسان را رشد داد.

۵. طراحی برنامه درسی به شیوه دانش آموز مداری

برخی دیدگاه های موجود در مورد کودک: که کودک گل است و کودک را هم باید مانند گل پرورش داد / کودک برده است و بنابراین باید او را مانند برده مقید کرد و به کار گرفت / برخی کودک را دشمن تلقی میکنند می گویند باید او را مهار کرد / هر کودک یک حلقه از یک زنجیر است و بنابراین هر یک از این دانه های زنجیر باید خوب تربیت شوند.

اما در این دیدگاه کودک را انسانی متفکر میدانند؛ انسان خلاق که دارای تعقل و تفکر است بر این اساس با تأکید بر این جنبه های رشد برنامه های درسی متناسبی برای او فراهم می آورند.

۶. طراحی برنامه درسی به شیوه تلفیقی

در این روش از تمامی طرح ها و روشهای برنامه درسی استفاده میشود یعنی با تلفیقی از آنها یک برنامه درسی طراحی میشود و برنامه ریز به عنوان انسانی آزاداندیش از منابع متنوع دانش استفاده می کند او در نقش معمار یا رهبر آموزشی این منابع را در طرحی منسجم به کار میگیرد اگرچه برای طراحی برنامه درسی میتوان از کودک مداری جامعه مداری موضوع و رشته مداری و سایر طرح ها استفاده کرد، اما در نهایت، طرحی برای برنامه درس مطلوب است که پایه ای برای آموزش مداوم شود.

مدل های برنامه ریزی درسی

مدل تایلر

تایلر یکی از صاحب نظران برجسته مدلهای تکنیکی - علمی است. او نویسنده ی کتاب اصول اساسی برنامه درسی و آموزشی است که در آن چگونگی بررسی منطقی مسائل برنامه درسی و آموزش را ارائه کرده. او یادآور شد که برنامه ریزان درسی باید مراحل زیر را در نظر داشته باشند:

- هدف های آموزشی مدرسه
- تجربه های آموزشی مربوط به هدف ها
- سازمان دهی تجربه ها
- ارزشیابی هدف ها

لازم است برنامه ریزان درسی هدف های کلی را بر اساس گردآوری اطلاعات از سه منبع ماده درسی یادگیرنده و جامعه تعیین کنند. سپس هدف ها را از دو صافی فلسفه تربیتی و روان شناسی یادگیری بگذرانند. بعد از گذراندن از این دو صافی هدف های ویژه آموزشی به دست می آیند. سپس تایلر چگونگی انتخاب تجربه های یادگیری را برای تحقق هدف ها مورد بحث قرار میدهد. تجربه های یادگیری باید بنا به تجربه های قبلی فراگیرنده و موقعیتی که او به آن خواهد رسید و همچنین در پرتو آنچه مربیان درباره یادگیری و رشد انسانی میدانند انتخاب شوند. تایلر در مرحله بعد سازمان دهی تجربه ها را مورد بحث قرار میدهد. او میگوید تجربه های یادگیری باید طوری تنظیم شوند که بالاترین تأثیر را روی یادگیرنده بگذارند. او اعتقاد داشت که عناصر برنامه درسی از قبیل آرا مفاهیم ارزشها و مهارتها باید مانند دانه های یک نخ در ساخت برنامه درسی قرار گیرند این عناصر کلیدی میتوانند نقش سازمان دهنده را در آموزش بازی کنند و تجربه های یادگیری متفاوتی را در موضوعات گوناگون به یکدیگر ربط دهند

همچنین، آرا، مفاهیم ارزشها و مهارتها میتوانند محتوای درون موضوعات خاص را به هم مربوط سازند. تایلر ارزشیابی را در برنامه ریزی درسی بسیار مهم می شمارد. او یادآوری میکند اگر مربیان بخواهند کشف کنند که آیا به واقع تجربه های یادگیری نتایج مورد انتظار را تحقق بخشیده اند یا نه باید از ارزشیابی استفاده کنند. همچنین بر اساس ارزشیابی است که معلوم میشود برنامه مؤثر بوده است

مدل تابا

هیلتا تابا معتقد بود کسانی که برنامه درسی را اجرا میکنند باید در برنامه ریزی شرکت داشته باشند. او از رویکرد از پایین به بالا حمایت کرد. اعتقاد داشت که مدل مدیریتی از بالا به پایین توالی و نظم درستی ندارد برنامه درسی باید توسط کسانی که از برنامه استفاده میکنند طراحی شود. معلمان باید از طریق تهیه واحدهای ویژه یاددهی یادگیری برای دانش آموزان فرایند برنامه ریزی درسی را شروع کنند. یعنی با روشی استقرایی از امور جزئی به طرح کلی برسند این همان شیوه ای است که در روش قیاسی سنتی که از طرح کلی شروع میشد و به امور جزئی میرسید مورد مخالفت قرار گرفت. تابا هفت مرحله اصلی را در مدل خود برشمرد که در آن معلمان اعمال زیر را انجام میدهند:

تشخیص نیاز ← تعیین هدف معلم ← انتخاب محتوا ← سازماندهی محتوا ← انتخاب تجربه های یادگیری ← سازماندهی فعالیت های یادگیری ← تعیین توالی فعالیتهای یادگیری ← ارزشیابی

برنامه درسی فارسی دوره ابتدایی در یک نگاه

اهداف برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (در هر موضوع فقط چند مورد ذکر شده است).

۱. تعقل، تفکر و اندیشه ورزی: کسب مهارتهای تفکر - کسب مهارتهای تفکر خلاق و انتقادی - تشخیص کار درست از نادرست - تفکر در خلقت جهان و قدرت و صفات خداوند - نتیجه گیری از حوادث روزمره خوب یا بد
۲. ایمان و باور: تأمل در خصوص نیازهای عاطفی و معنوی خودتن و تلاش در جهت تأمین این نیازها از طریق خدا پرستی و اعمال نیک - ایمان به خداوند پیامبر و ائمه اطهار (ع) - ایمان به عالم غیب بهشت دوزخ حساب و کتاب - باور به قرآن کتاب آسمانی، مسلمانان قرائت قرآن و تعمق در آیات قرآن - دوستی با خداوند پیامبر و ائمه اطهار (ع)
۴. علم: شناخت جسم خود و کارکرد اندامها و نحوه مراقبت از آنها - شناخت علاقه ها و استعدادهای خود در امور گوناگون - شناخت خداوند پیامبر اسلام ائمه اطهار (ع) و ضرورت اطاعت از آنان - آشنایی با قرآن و توانایی در روخوانی آن و حفظ برخی از سوره های ساده قرآن - آگاهی از زندگی انبیای اولوالعزم - آشنایی با احکام اولیه دینی - آشنایی با برخی از احادیث ساده
۴. عمل: توانایی در اجرای بازیهای محلی و ورزشهای رایج - مشارکت در کارهای گروه - رعایت زیبایی در ساخت اشیای ساده - لذت بردن از اشعار ترانه ها موسیقی و سرودهای محلی و ملی که با فطرت الهی انسانی سازگار باشند - توانایی ساخت آثار هنری ساده و بیان خودتن از طریق هنر - رعایت نظم و انضباط در کارها
۵. اخلاق: پرهیز از تنبلی - علاقه به انجام کارهای نیک و دوری از رفتارهای ناپسند - ارزش گذاری برای حیا و عفت - داشتن رفتار خوب با دیگران مانند محبت به دیگران کمک به بچه های نیازمند پرهیز مسخره کردن دیگران

بدگویی تهمت زدن و دروغ گویی، بخشیدن دیگران و استفاده از کلمات محبت آمیز و دوستانه در برخورد با دیگران

نیازها و ضرورت‌های طراحی برنامه درسی جدید

برنامه مکتوب و مدونی برای آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی جز آنچه در سال ۱۳۴۸ تولید شده در دست نبوده است / برنامه رویکرد مشخص زبان شناختی و روان شناختی نداشت / اهداف محتوا روش و ارزشیابی آن برنامه با نیازهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه هماهنگ نبود. / سیر و تداوم اصول و مبانی زبان آموزی به طور کامل پیوستگی نداشت. / برنامه درسی قبلی با سیاست ها و خط مشیهای کلان دفتر و سازمان پژوهش هماهنگی نداشت. / ادبیات داستانی به عنوان نوع ویژه ای از ادبیات کودک و نوجوان در برنامه حضور نداشت. / به همه جنبه‌های زبان آموزی و مهارت‌های زبانی به اندازه کافی توجه نشده بود. / به موضوع آموزش خط تحریری و خوانا و زیبانویسی کمتر اهمیت داده شده بود. / عملیاتی شدن برنامه درسی ملی و عمل به صورت‌های آن مدنظر قرار نگرفته بود.

رویکردهای برنامه درسی زبان فارسی

با عنایت به رویکرد فطرت گرایی توحیدی برنامه درسی ملی رویکردهای برنامه درسی حوزه ی تربیت و یادگیری زبان فارسی عبارت اند از:

الف) رویکردهای عام برنامه فارسی: رویکرد فعالیت محور / رویکرد تلفیقی

ب) رویکردهای خاص برنامه فارسی: رویکرد کلی (روش واژه و روش جمله محور) / رویکرد تحلیلی / رویکرد ترکیبی / رویکرد تجربه زبانی / رویکرد زبان شناختی / رویکرد مهارت آموزی

اصول حاکم بر برنامه درسی فارسی در دوره ابتدایی

- ۱: باید رویکرد حاکم بر برنامه درسی ملی اصل قرار گیرد. ۲: اصل بر جنبه های کاربردی و مهارت‌های زبانی است. ۳: باید زمینه ساز ارتقای آداب و مهارت‌های زندگی در کودکان باشد. ۴: بایید سرمشق عملی تقویت چگونه اندیشیدن و تفکر انتقادی خلاقیت در کودکان باشد. ۵: باید زمینه ساز انس با مطالعه مستمر در زندگی کودک باشد. ۶: از جدیدترین دستاوردها و پژوهش های حوزه ادبیات کودکان زبان شناسی و روان شناسی استفاده شود. ۷: سیر آموزشی از ساده به تکامل یافته و از زبان طبیعی به زبان معیار باشد. ۸: در آموزش نکات زبانی، اخلاقی ارزشی و شناختی و تأکید بر شیوه غیر مستقیم باشد. ۹: در تدوین محتوا به تمامی گونه های زبان فارسی به طور مناسب توجه شود. ۱۰: به نقش سازنده زن و مرد به طور متناسب در برنامه توجه شود. ۱۱: موضوعات و مطالب به یک محدوده جغرافیایی منحصر نشود. ۱۲: در برنامه به دانش های بشری در زمینه های علمی، ادبی، مهارتی و فنون توجه کافی شود ۱۳: به پرورش حافظه شنیداری و دیداری توجه کافی شود. ۱۴: باید زمینه ساز ابراز وجود و بیان احساس و عواطف دانش آموزان باشد. ۱۵: به گسترش دایره واژگان زبان فارسی مورد نیاز دانش آموز توجه کافی شود. ۱۶: خوانانویسی در تمامی سطوح آموزشی مدنظر برنامه ریزان مؤلفان و مجریان قرار گیرد.

اهداف مشترک برنامه درسی فارسی با دیگر برنامه های درسی تقویت اصول و مبانی فرهنگی و تربیتی اسلامی و ارزشهای اخلاقی مبتنی بر اندیشه اسلامی:

تقویت مهارت‌های زندگی در فرایند آموزش زبان فارسی / تقویت اخلاق فردی و اجتماعی به منظور تربیت شهروند مطلوب / آشنایی با نهادهای اجتماعی و سازمان‌های موجود در ایران / آشنایی با مفاهیم و موضوعات بهداشت فردی و اجتماعی مرتبط با برنامه درسی زبان فارسی / آشنایی با چهره‌های فرهنگی - تربیتی، علمی، سیاسی و... / تقویت روحیه دینداری غیرت ملی و وفاداری به نظام اسلامی / تقویت روحیه زیبایی و تفکر در آیات و نعمات الهی

اهداف کلی برنامه درسی فارسی در دوره ابتدایی

الف) حیطه شناختی:

آشنایی با ساختار زبان فارسی معیار و گسترش حوزه نمادها و معانی آنها - آشنایی با زبان گفتار و نوشتار، نظم و نثر و تفاوت آنها - آشنایی مختصر با جلوه‌های مهارتی زبان - آشنایی با مسائل اعتقادی، فرهنگی، تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، ملی، علمی مهارتی و آداب و مهارت‌های زندگی در قالب زبان - آشنایی با شیوه‌های تقویت حافظه و راه‌های پرورش ذوق و خلاقیت

ب) حیطه عاطفی

ایجاد پرورش و تقویت علاقه و نگرش مثبت به مبانی، اعتقادی، فرهنگی و ملی کشور - بیان احساسات عواطف و افکار در قالب گفتار و نوشتار - جنبه‌های زیبایی سخن و تحسین آنها - مطالعه تلطیف احساسات و عواطف

ج) حیطه مهارتی

گوش دادن، مانند دقت و تمرکز در سخن گوینده / سخن گفتن، مانند انسجام در رساندن پیام / خواندن مانند تمرکز و دقت در نوشته / نوشتن، مانند توانایی به کارگیری بهنجار خط

موضوعات اساسی برنامه درسی فارسی

الف) مفاهیم دستوری - نگارشی و رسم الخطی - املائی - ادبی - دانشی - ارزشی و نگرشی - واژگان

ب) مهارت‌های زبانی

گوش دادن - سخن گفتن - خواندن - نوشتن نقد و تحلیل - تفکر و اندیشیدن خلاق

ج) فعالیتهای ویژه:

گوش کن و بگو - درست و نادرست - واژه سازی - نکته - نگاه کن و بگو - به دوستانت بگو - بگرد و پیدا کن - بخوان و حفظ کن - بخوان و بیندیش - بیاموز و بگو - بازی و نمایش - کتاب خوانی بازی بازی - خودارزیابی - یادآوری - کارگاه درس پژوهی - ایستگاه اندیشه - کارگاه نویسندگی - تصویر خوانی و صندلی چيست

روشهای یاددهی - یادگیری در برنامه درسی فارسی

الف) روشهای خاص آموزش زبان

روشهایی برای آغاز خواندن و نوشتن: روش زبان شناختی - روش آوایی یا صوتی - هجایی، یعنی ترکیب صامت‌ها با مصوت‌ها - تصویر خوانی (تطبیق نوشتار با تصویر)

روشهای خواندن در ابتدایی: دقیق خوانی - خواندن تجسمی - خواندن انتقادی - خواندن التذادی

ب) روشهای عام آموزش زبان: بحث و گفت و گو و پرسش و پاسخ - ایفای نقش قصه گوئی و نمایش خلاق - روش گردش علمی و مشاهده محیط و طبیعت - روش تفکر استقرایی - بدیعه پردازی - روش اکتشافی و حل مسئله - روش واحد کار (پروژه) - الگوی کارایی گروه - الگوی تدریس اعضای گروه - الگوی قضاوت عملکرد؛ الگوی روشن سازی طرز تلقی

ارزشیابی

الف) انواع ارزشیابی: شفاهی - کتبی - عملکردی

ب) اهداف ارزشیابی: ارزشیابی از مهارتهای شفاهی زبان - ارزشیابی تلفیقی از مهارتهای کتبی زبان؛ ارزشیابی از فرایند آموزش و فعالیتهای دانش آموزان - ارزشیابی مستمر و توصیفی در کنار ارزشیابی پایانی

@CFUketab

فصل دوم

زبان و مهارت های زبانی

- ❖ زبان از آغاز زندگی بشر ، طبیعی ترین وسیله ی تفهیم و تفاهم میان مردم بوده است .
- ❖ تمدن و پیشرفت بشر ، در دجه ی اول مدیون توانایی وی درانتقال مفاهیمیا به عبارت دیگر همان زبان است.
- ❖ منظور از زبان به معنی اخص ، همان نیروی گویایی بشر است .زبان یکی از عامل ها وخصوصیت های زندگی اجتماعی است و هر فرد آن را همچنان که از کودکی یاد می گیرد ، می پذیرد .
- ❖ قرن ها طول کشید تا بشر توانست علاوه بر نیروی گویایی خود از علامت ها و نشانه های دیگری نیز برای انتقال مفاهیم استفاده کند و به ضبط فکر خود یا به عبارت دیگر اختراع خط موفق شود.
- ❖ در واقع شروع تاریخ مدون از زمانی محسوب می شود که بشر توانسته است به سوانح زندگی خود صورتی پایدار ببخشد.
- ❖ در اصطلاح زبان شناسی ، زبان به گفتار بشر اطلاق می شود .
- ❖ زبان عبارت است از ترکیبی از صورت های معین این و مجموعه معانی که به وسیله افراد یک گروه زبان شناسی مشترکان به کار میرود رود در مقابل آنچه به وسیله علامت ها و نقشه ها مجسم می گردد عدد خط نامیده می شود.
- ❖ در اصطلاح آموزش و پرورش زبان به طور کلی وسیله انتقال مفاهیم ، اندیشه ها و احساس ها و ذکر گزارش هاست (گاهی به صورت شفاهی به صورت کتبی یا همان خط)
- ❖ زبان ابزاری است که هم یاد دادن و هم یاد گرفتن همه مواد درسی به وسیله آن انجام می شود.
- ❖ مبالغه نیز اگر گفته شود که پیشرفت و توفیق شاگردان در همه برنامه های دبستان ، به مهارت آنان در مهارت های زبان بستگی دارد.

الف) زبان: زبان پدیده‌ای است که زنده ، زایا و نظام دار که در جامعه انسانی برای پیوند با دیگران و رساندن مقصود و پیام کاربرد دارد.

- * استفاده از زبان چون آن را به صورت طبیعی طبیعی آسان است اما شناخت آن کار دشواری باشد. دلیل دشواری شناخته زبان ، پیچیدگی و گستردگی آن است . زبان به سبب اینکه باید گستره ذهن انسان را همراه با تمام راز ها و رمزهای آن به نمایش بگذارد، بسیار پیچیده است.
- * به طور کلی زبان را میتوان نهادی اجتماعی برای برقراری ارتباط و آگاهی از نیاز طرفین دانست. به بیانی دیگر ، زبان قرارداد اجتماعی برای تفهیم و تفاهم است.
- * شناخت زبان به هیچ وجه با توانایی استفاده از آن یکی نیست . در تعریف زبان ، منظور از نظام مند بودن ، پیوستگی و نظم عناصر سازنده زبان است.

اجزای سازنده نظام زبان در درجه اول نشانه است و نشانه ، لفظی است که معنایی داشته باشد.

معمولا انتقال پیام در ارتباط زبانی در قالب جمله صورت می گیرد. هر جمله نمونه کوچک از نظام بزرگ زبان است.

ویژگی های زبان:

وقتی یک کودک ژاپنی در انگلستان و یا یک کودک ایرانی در فرانسه بزرگ می شوند بدون اینکه به زبان زبان ملی خود توجه ای داشته باشد زبان انگلیسی و زبان فرانسوی را یاد می گیرد که به این ویژگی قوه نطق یا بیان می گویند.

▪ برخی ویژگی های زبان عبارتند از:

۱_ قراردادی بودن عناصر زبان: یکی از ویژگی های اصلی و مهم زبان های بشری قراردادی بودن آن است ، بدین معنی که بین صورت و معنای عناصر زبانی رابطه ذاتی وجود ندارد و رابطه بین این دو رابطه قراردادی است مثلاً در کشور ایران اسب نام یک جانور است در حالی که در کشورهای دیگر از نام دیگری دارد .

۲_ روابط همنشینی و جانشینی: به طور مثال جمله ((من امروز به خانه نمی روم)) را در نظر می گیریم می بینیم که بین عناصر آن رابطه همنشینی وجود دارد. یعنی این جمله از ترکیب و همنشینی من + امروز + است + خانه + نمی روند تشکیل شده است و همچنین کلمه من از ترکیب سه واج صامت مصوت و صامت تشکیل شده است. و همچنین این در سطح صرفی است ، واژه نمی روم از ترکیب عنصر منفی ساز ((نون)) + عنصر استمراری ساز((می)) + بن فعل رو + شناسه اول شخص مفرد ((م)) و هم نشینی آنها ساخته شده است.

♦ در همه زبان ها از جمله در زبان فارسی عناصر متفاوتی در سطوح گوناگون آوایی، صرفی و نحوی وجود دارند که می توانند جانشین یکدیگر شوند. در سطح آوایی با تعویض و جانشینی صامت های آغازین ، کلمات متفاوتی از تقدیر بار ، تار، جار، خار، دار، زار، سار ، کار ساخته می شود.

♦ در سطح صرفی ، با جانشین سازی شناسه های متفاوت ، عنصر زبانی از لحاظ شخص و شمار تغییر می کند مانند آمدم ، آمدی ، آمد ، آمدیم ...

♦ در سطح نحوی نیز ، در جمله های زیر برای مثال با جانشین سازی عناصر متقابل که همگی نقش گروه اسمی را ایفا می کنند ، پیام زبانی واحد منتقل میشود:

۱_ فردوسی ، زبان فارسی را زنده کرد ۲_ حکیم توس ، زبان فارسی را زنده کرد.

○ اگر روابط همنشینی و جانشینی وجود نداشت ، ارتباط های زبانی به تکرار تعداد جمله ای پیش ساخته و کلیشه های محدود می شد.

شبکه ای بودن زبان: هر زبان شبکه ای است از عناصر و روابطی که روی هم نظام زبان را به وجود می آورد. به عبارت دیگر ، زبان نظامی است متشکل از عناصر و قواعدی که زیربنای گفته ها و نوشته های ما را تشکیل می دهد.

خلاقیت زبانی: زبان های انسانی بر خلاف دیگر نظام های ارتباطی این ویژگی منحصر به فرد را دارند که انسان را قادر می سازد ، برای تولید و درک پیام های نامحدود در موقعیت های متفاوت زمانی ، مکانی و روابط و شرایط اجتماعی متفاوت از قوایی نامحدودی برخوردار باشد.

نقش های زبان: زبان نیز مانند تمام پدیده های دیگر اجتماعی دارای دو بعد ماهیتی و نقشی است.

☆ زبان دارای نقش های متعددی است که البته ارزش و اهمیت آنها یکسان نیست. این نقش ها عبارت اند از: نقش ارتباطی، نقش تکیه گاه اندیشه، نقش عاطفی و نقش مهارتی. نقش ارتباطی را نقش اجتماعی، نقش تکیه گاه اندیشه را نقشه ذهنی، نقش عاطفی را حدیث نفس و نقش مهارتی را نقش زیبایی شناختی نیز می توان محسوب کرد.

نقش ارتباطی: نخستین و اساسی ترین نقش زبان ایجاد ارتباط بین انسان هاست. زندگی و حیات انسان دارای صبغه اجتماعی است.

تکیه گاه اندیشه: زبان در قبال انسان نقش درونی و روانشناسی نیز ایفا می کند که به علت این نقش، زبان تکیه گاه اندیشه محسوب می شود. اکثر فعالیت های ذهنی ما در قالب زبان شکل می گیرند و شاید بتوان گفت زبان در ساخت و تحول اندیشه های ما نقش اساسی ایفا می کند. تفاوت های فردی کودکان نیز یکی از دلایل ارتباط زبان و اندیشه است. معمولاً کودکانی که بر اثر شرایط خانوادگی و اجتماعی بر زبان گفتاری تسلط بیشتری کسب کرده اند، در جذب پیام های مربیان و ابراز اندیشه و عقاید خود بهتر میکنند.

نقش عاطفی (حدیث نفس): گاهی همه ما بدون این که شنونده یا خواننده خاصی در نظر داشته باشیم از امکانات زبان گفتاری و نوشتاری و بهره می گیریم و الفاظ را به زبان می آوریم و یا روی کاغذ می نویسیم که با همان در دل نیز میگویند.

نقش مهارتی: نقش مهارتی زبان در ادبیات مانند شعر، داستان، رمان و نمایشنامه متجلی می شود. شاید به این باشد که در پروردگارا مهارت کلامی میخوانند.

گونه های زبان: به شکل های از زبان که هر کدام در زمان، مکان، اجتماعی و موقعیت سنی معینی به کار می روند ((گونه)) گفته می شود. به شکلی از یک زبان که فقط در تلفظ با هم فرق دارند ((لهجه)) میگویند. چه شکل هایی از یک زبان که علاوه بر تلفظ، در کلمات و قواعد دستوری نیز با هم فرق داشته باشند، ((گوش)) گفته می شود.

گونه های هر زبان معمولاً به چهار دسته تقسیم می شوند:

۱. گونه جغرافیایی: به ناحیه ای خاص تعلق دارد مانند یزدی، شیرازی
۲. گونه اجتماعی: به طبقه یا قشر اجتماعی خاص متعلق است مانند واعظان، بازاریان
۳. گونه تاریخی: هر گوی شان مختص دوره خاصی از ادوار گذشته یک زبان است مانند بعد از صفویه، قبل از مغول
۴. گونه معیار: مانند معیار گفتاری، معیار نوشتاری

زبان و گفتار:

❖ زبان یکی از توانایی های ذهنی انسان است اما گفتار فقط نمود آوایی این توانایی است. زبان شناسان معتقدند که در زبان به عنوان یک توانایی ذهنی، هیچگونه خطایی وجود ندارد اما در گفتار ممکن است خطا پدیدار شود (زبان مانند جدول ضرب و گفتار مانند عمل ضربی)

✓ اشتباه و خطا در گفتار رخ می دهد و رفع و اصلاح آن وسیله زبان صورت می گیرد.

✓ یکی از فایده های تمایز زبان و گفتار این است که به کمک آن نشان می دهیم ، کسانی هم که به طور مادرزادی یا به سبب تصادف از قدرت گفتار بی بهره مند به هیچ وجه از نعمت زبان محروم نیستند .

خط و نوشتار:

- * زبان و گفتار را در خانه و محیط زندگی و به طور طبیعی یاد می گیریم ولی خط و نوشتار را در مدرسه ، نزد معلم و پس از آموزش و آرام میگیریم.
- * برای یادگیری سخن گفتن به زبان مادری زحمت نمی کشیم و محتاج تمرین ، پرسش و تکرار نیستیم اما برای یادگیری مهارت نوشتن ناگزیریم زحمت بسیار بکشیم و از درس و مشق ، و تمرین استفاده کنیم.
- * زبان و گفتار ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد ، حال آنکه خط و نوشتار ذاتی و طبیعی انسان نیست و ریشه در اجتماع و فرهنگ دارد. خط و نوشتار خاستگاه فرهنگی و اجتماعی دارد و ساخته خود انسان و قراردادی است.
- * برخلاف آنچه تصور می شود ، خط و نوشتار هیچ بخشی از بخش های اصلی زبان و گفتار را تشکیل می دهد.

(ب) زبان شناسی: علمی که به مطالعه ، بررسی و شناخت زبان می پردازد ، زبانشناسی نام دارد. زبان شناسی می کوشد ها به پرسشهای همچون زبان چیست ؟ و زبان چگونه عمل می کند ؟ پاسخ گوید.

- ♣ کسی را که به بررسی های زبان شناختی می پردازد ، زبان شناس می نامند.
- ♣ زبان شناسی و شاخه های گوناگونی دارد که برخی از آنها عبارتند از: زبانشناسی سنجشی ، تاریخی ، آواشناسی ، معناشناسی ، گونه شناسی زبان ، عصب شناسی زبان ، روانشناسی زبان ، جامعه شناسی زبان و ...
- ♣ سابقه مطالعه زبان به چندین هزار سال پیش باز می گردد. گذشتگان زبان را با هدف حفظ کتب آسمانی و اعتقادی و آثار ادبی از دگرگونی های زبان یا ایجاد ارتباط میان اقوام و ملل ای که به زبان های مختلف سخن می گفتند مطالعه می کردند که به آن زبان شناسی سنتی می گویند.
- زبان شناسی جدید علمی از آغاز قرن بیستم شروع شده است که آن را زبانشناسی همگانی نیز می نامند.
- یکی از مشکلات مطالعه زبان ، تغییر و تحول دائمی آن است. برای رفع این مشکل ، زبانشناسان عامل زبان را که موجب تغییر و تحول در زمان میشود ، کنار میگذارند و مطالعه این بخش را به ساحت های دیگر از روانشناسی نیست پارچه به زبان شناسی تاریخی موسوم اند.
- وجود گونه ها ، لهجه ها ، گویش ها و گستردگی بیش از حد آنها ، یکی دیگر از مشکلات مطالعه زبان است. برای رفع این مشکل ، زبان شناسان مطالعه خود را فقط به یکی از شکل های گوناگون زبان ، بسته به نوع نیاز به محدود می کند.
- زبان شناسان برای شناخت زبان و حل مشکل پیچیدگی و گستردگی آن ، به جای آنکه به طور یکجا به مطالعه زبان بپردازند آن را به چند قسمت تقسیم کردند و هر بخش جداگانه بررسی میکنند . در یک سطح فقط به مطالعه صداهای زبان و قواعد ترکیب آنها به منظور ایجاد ساختار آوایی زبان می پردازند این صورت از مطالعه زبان واج شناسی می گویند.
- گاهی زبان شناسان فقط به بررسی نشانه های زبان و قواعد ترکیب آنها به منظور ساخت کلمات ، عبارت و جمله های زبان و روابط نحوه آنها بسنده می کنند. ای است از مطالعه نظام زبان را دستور زبان می کنند و آن را به دو

بخش صرف و نحو و تقسیم می کنند. در بخش صرف به بررسی و طبقه بندی نشانه های ساده ، مثل باغ + بان در واژه باغبان می پردازند.

- در نگاهی دیگر ، زبان شناسان به بررسی معنای انواع تک واژه ها ، کرمها ، گروه ها و جمله ها و روابط معنایی آنها روی می آورند. این سطح از مطالعه نظام زبان را معناشناسی می نامند.

واحدهای زبانی:

- واحد های زبان به ترتیب از کوچک به بزرگ عبارتند از: واج ، تکواژ ، واژه ، گروه ، جمله ، جمله مستقل .
- واژه یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند تکواژ ساخته می شود و در ساختمان واحد بزرگتر به کار میرود. واژه می تواند مفهوم مستقل داشته باشد یا مفهومی غیر مستقل.
- تکواژ یکی از واحدهای زبان است که از یک یا چند واج ساخته می شود تک باشگاهی معنا و کاربرد مستقلی دارد مثل خوب ، گوسفند که در اینصورت ((تکواژ آزاد)) می نامند گاهی نیز کاربرد و معنای مستقل ندارد و در ساختمان واژه های دیگر به کار می شود که به آن وابسته می گویند ماندگار ، مند

نظام آوایی زبان:

- * به هر یک از صداهای زبان واج میگویند. واج آوایی است که می تواند در یک ساخت آوایی ، جانشین آوای دیگری شود و آن را به ساخت دیگری تبدیل کند مثلاً آوای (د) می تواند در ساخت آوایی بارجانشین آوای ((ر)) شود. آنرا به ساخت آوایی باد تبدیل کند.
- * واژه ها ، آوای زبان هستند. ، حال آنکه حروف الفبا نشانه های نوشتاری هستند و نه آوا.
- * واج های زبان به دو دسته صامت و مصوت تقسیم می شود. در فارسی هیچ کلمه ای با مصوت آغاز نمی شود و مصوت ها همیشه دومین واج هر هجا هستند.
- * در زبان فارسی ۲۹ واج وجود دارد که به ۶ مصوت و ۲۳ صامت تقسیم می شود در حالی که در زبان انگلیسی بالغ بر ۴۴ واج وجود دارد که به ۲۰ مصوب و ۲۴ صامت تقسیم می شود.

نظام معنایی زبان: معناشناسی مطالعه علمی ((معنا)) در زبان است. یعنی کوششی است برای توصیف پدیده های زبانی و پی بردن به این نکته که اهل زبان چگونه منظور یکدیگر را می فهمند. چرا برخی از واژه ها را رایج و پرکاربرد و برخی را ناروا و بی معنی می دانند.

➤ ممکن است در گذر زمان برای واژه ، یکی از چهار وضعیت زیر پیش بیاید:

- ۱_ پس از انتقال به دوره دیگر ، به علل سیاسی فرهنگی مذهبی یا اجتماعی کاملاً متروک و فهرست واژگان حذف شود مانند سوفار برگستوان

۲_ با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید ، به دوران بعد منتقل شود به عبارت دیگر تحول معنایی یابد مانند جامعه

۳_ با همان معنای قدیم به حیات خود ادامه دهد مانند شادی ، خنده ، دست

۴_ هم معنای قدیم را حفظ کند و هم معنای جدیدی بگیرد ، مانند سپر ، یخچال ، پیکان

واژه های جدید به چند شیوه زیر ساخته می شوند:

۱. ترکیب: چند واژه در کنار هم بیایند
۲. اشتقاق : افزایش وند به واژه های موجود
۳. علائم اختصاری: نخستین واج های چند کلمه را با هم می آمیزند و کلمه جدیدی می سازند مانند نهاجا

روابط واژگانی:

- ❖ **شبکه معنایی:** به مجموعه ای از کلمات گفته می شود که درباره یک موضوع هستند و در یک زمینه خاص به هم مرتبط اند مانند زمستان ، سرما ، بخاری ، یخ ، برف
- ❖ **کلمات هم آوا _ هم نویسه:** کلماتی گفته می شود که هم از لحاظ آوایی و هم نوشتاری یکسان باشند ، بین و رابطه در ادبیات جناس تام می گویند ایند مانند شیر شیر
- ❖ **کلمات هم نویسه:** کلماتی هستند که املای یکسانی دارند ولی از لحاظ تلفظی و معنای هیچ ارتباطی با هم ندارند
- ❖ **کلمات هم خانواده:** کلمات دخیل از عربی به فارسی هستند که ریشه فعلی مشترکی دارند مانند: عاشق معشوق عشق
- ❖ **چند معنایی:** برخی کلمات دارای معنایی واحد نیستند. ، بلکه بسته به جمله ای که در آن قرار دارند ، معنای متفاوتی به خود میگیرند ، مانند علی توپ را گرفت. دلم درد گرفت
- ❖ **چند تلفظی:** بعضی از کلمات در فارسی رایج و معیار کشور به دو شکل تلفظ می شوند مانند آسمان ، مهربان ، یادگار
- ❖ **کلمات هم آوا:** کلماتی هستند که فقط تلفظ یکسانی دارند ولی از لحاظ املایی با هم متفاوتند مانند خواست _ خاست
- ❖ **مترادف:** به دو یا چند کلمه گفته می شود که تقریباً دارای معنی یکسانی هستند و اگر در جمله ها به جای هم به کار روند ، جمله ها تقریباً هم معنی اند. تلاش کوشش
- ❖ **متضاد:** دو یا چند کلمه که معنی ضد هم دارند ، مانند سیاه و سفید _ مرد و زن

صداهای زبان فارسی :

زبان گفتاری بهترین وسیله تفهیم و تفاهم بین انسان ها است. در زبان گفتاری برای فهمیدن و فهماندن ، از قالب جمله که دربرگیرنده تعداد کلمات استفاده می شود.

- ✓ در بیشتر زبان های گفتاری در دنیا از جمله فارسی ، صدا ها هنگام بازدم به کمک دستگاه های تولید می شوند.
- ✓ دستگاه گفتاری شامل این اندام هاست: ریه ها، تارهای صوتی ، زبان کوچک ، زبان و دندان ها و حفره بینی...
- ✓ در تولید پاره ای از صداها به وسیله دستگاه گفتاری ، خروج جریان هوا از دهان یا بینی ادامه می یابد. اینگونه صدا ها را ((امتداد پذیر)) می نامند.
- ✓ در تولید پاره ای از صداها به کمک دستگاه گفتاری ، خروج جریان هوا از دهان و بینی قطع می شود. اینگونه صدا ها را ((امتداد ناپذیر)) می نامند.
- ✓ زبان فارسی معیار دارای ۲۸ صدا است و اگر صدای (عین) را به صداهای زبان فارسی معیار اضافه کنیم جمع آنها ۲۹ صدا میشود.

کلمه و صدا:

هر کلمه از ترکیب چند صدا ساخته می شود و بر معنایی دلالت می کند. بنابراین هر کلمه دو بُعد دارد: تلفظی و معنایی

((صامت + مصوت)) ((صامت + مصوت + صامت)) ((صامت + مصوت + صامت + مصوت + صامت))

➤ ویژگی های نظام نوشتاری ((خط)) در زبان فارسی:

یکی از ابزارهای ارتباطی خط است. اگر زبان را دارای دو جنبه گفتاری و نوشتاری بدانیم ، خط مربوط به جنبه نوشتاری زبان معمولاً خط را مهمتر از زبان گفتاری می دانند..

● ویژگی های خط فارسی:

خط فارسی دارای ۳۳ حرف یا علامت یا شکل است همچنین زبان فارسی ۲۹ باجی صدا دارد که به سه مصوت بلند و سه مصوت کوتاه و ۲۳ صامت تقسیم می شود.

الفبای فارسی از نظر شکل و ارتباط با صدا دارای مشخصات زیر است:

(۱) حروفی که هر کدام فقط یک صدا دارند مانند ب ، پ ، گ

(۲) حروفی که چند شکل از آنها صدای یکسانی دارند

دسته بندی مصوت ها و صامت ها:

۱_ مصوت ها :

الف_ متولد های دوشکلی

ب_ مصوت های چهار شکلی مانند (ه)

۲_ صامت ها:

الف_ یک شکلی ها مانند: د _ ر _ ک

ب_ دو شکلی ها که به آخر و غیر آخر نامگذاری می شوند

پ_ چهار شکلی ها مانند: ع _ غ

نشانه های خطی: نشانه های خطی دو دسته اند:

الف) نشانه های خطی غیر الفبایی که شامل مصوت ها می شوند ولی جزو حروف الفبا محسوب نمی شود

ب) نشانه های خط الفبایی که شامل ۳۳ حرف هستند

آموزش تشخیص صداها:

گفتی هر کلمه شامل چند صداست. برای شناساندن صداهای زبان معیار باید از شیوه های ساده و در حد فهم نوآموزان استفاده کرد.

❖ کلماتی را که صدای آخر آنها مانند هم است ، کلمات هم پایان می گویند مانند آش و ماش

❖ کلماتی که صدای اول آنها مانند هم است ، هم آغاز می گویند ، مانند: شب و شام

❖ برای آموزش صداهای زبان فارسی باید از کلمات هم پایان و هم آواز استفاده کرد.

✓ کلمه ای که برای صدا آموزی مورد استفاده قرار می گیرد ، باید ویژگی های زیر را داشته باشد:

۱. برای مبتدی شناخته شده و آشنا با ذهنش باشد ۲. بتوان آن را به تصویر کشید. ۳. حتی المقدور یک بخشی باشد.

مهارت های زبانی:

۱) گوش دادن: شنیدن ، نخستین عکس العمل نوزاد در مسیر آموختن زبان است. اگر کودکی به علت نقص عضو قادر به شنیدن نباشد حتی اگر دستگاه گفتاری و نقشی نداشته باشد باز قادر به سخن گفتن نخواهد بود.

در آموزش مهارت های زبانی شنیدن و گوش دادن ، نخستین پله پیشرفت است. میان شنیدن و گوش دادن تفاوت معنایی وجود دارد. به این معنی که شنیدن ، عملی تقریباً غیر ارادی است اما گوش دادن عملی ارادی و مستلزم توجه و دقت است.

✓ واژه شنیدن در زبان فارسی مفهوم سوم نیز دارد که فهمیدن، پذیرفتن و اطاعت کردن است.

آموزش مهارت گوش دادن در برنامه درسی زبان فارسی:

- برنامه درسی مهارت های زبانی به گوش دادن به عنوان عامل موثری برای کسب منابع و صفای زندگی اهمیت می دهد. شاگردان به آن میزان قادر خواهند بود گوش بدهند که در این باب آموزش دیده باشد. یکی از مهمترین خدمات های آموزگاران در تربیت کودکان این است که آنان را از همان کلاس های ابتدایی و ارزش و لذت خاموشی و عمق در جلال و با ابهت سکوت ، سکوت با عزم و اراده ، آشنا سازند.
- ایجاد موقعیت های نشاط آور ، از قبیل گوش دادن به یک قصه جالب یا سرود یا موسیقی ، از وسایل موثر عادت دادن کودکان به سکوت است. در کودکان ها و کلاس های اول و دوم ابتدایی ، قصه گفتن یکی از برنامه هایی است که کودکان و خیلی علاقمند بودند.
- تمرین دیگر سکوت و خاموشی به وسیله عادت دادن کودکان به مطالعه حاصل می شود.
- موضوع دیگری که به سکوت مربوط است و جنبه تربیتی خیلی مهمی دارد اینگول عادت دادن کودکان به تفکر است.

اهداف آموزش مهارت گوش دادن:

۱. توانایی و تسلط در خوب شنیدن و به یا سپردن روس مطالب اظهار شده.
۲. توانایی کسب و آگاهی ها و دانستنی های مورد نظر.
۳. مهارت و ظرفیت ارزشیابی و توجه انتقادی به مطالب اظهار شده هنگام درس ، سخنرانی ، بحث و گفت و گو یا شوخی و تفریح.

عوامل موثر در پیشرفت گوش دادن:

۱. علاقه دانش آموز به مطالبی که اظهار می شود و هم چنین به شخص گوینده
 ۲. آمادگی دانش آموز برای درک و استفاده از مطالب و نداشتن ناراحتی و نگرانی
 ۳. تطابق مطالبی که گفته می شود با رشد ، ظرفیت ، هوش و تجربه دانش آموز
 ۴. نیاز مندی و مصمم بودن دانش آموز برای یادگیری و احساس رغبت و خرسندی
- مهارت گوش دادن دارای چهار مرحله متوالی است: شنیدن _ دقت و تمرکز مداوم حواس _ درک و فهم پیام _ تعبیر پیام ، پردازش و جذب نهایی منظور گوینده
- گوش دادن و عوامل زیادی نیاز دارد، این عوامل در دو طبقه قرار میگیرند:
- عوامل **برون فردی**: مثل صدای رسای گوینده ، محتوای مطلب، سرعت و سر و صدای محیط
- عوامل **درون فردی**: شامل سلامت ذهنی و جسمی شنونده ، اطلاعات و تجربیات قبلی وی و بینش شنونده نسبت به گوینده

سخن گفتن :

● سخن گفتن دومین مهارت زبانی است که انسان یاد می‌گیرد. آموختن این مهارت از خانواده شروع می‌شود و دانش‌آموزان تا پیش از ورود به دبستان تا اندازه زیادی در آن توانایی دارند.

● سخن گفتن دارای چند خورده مهارت اساسی است: استفاده از کلمه‌ها و جمله‌ها متناسب با موقعیت گفتگو/ بیان روشن نظرات اصلی با استفاده از کلمات مناسب/ صحبت کردن با صدای غذا در آن حد شنونده یا شنوندگان آن را به خوبی بشنوند/ صحبت کردن به نحوی که شنونده، مقصود گوینده را دریابد/ کاربرد واژه‌ها به طور واضح و مشخص

✓ انواع سخن گفتن و آداب آن:

سخن گفتن یا بیان شفاهی را می‌توان به انواع زیر تقسیم کرد:

حرف زدن، صحبت کردن، گفتگو و محاوره/ گفت و شنود و پرسش و پاسخ / سخنرانی و خطابه/ بحث ، مناظره ، مصاحبه و مشاعره / بیان ، شرح ، توضیح ، گزارش / حکایت کردن / قصه گویی

✓ حرف زدن و سخن گفتن:

حرف زدن طالبان به فعالیت یک فرد سالم می‌شود و کسی که در این باب افراد کند و او را پر حرف می‌نامند.

کودکان برحسب عادت و طبیعت غالباً پرحرفی می‌کند.

معایب و اختلال‌های سخن‌گویی کودکان:

محیط زندگی کودک در سخن‌گویی او است. کودکانی که زمینه مساعدی برای پیشرفت صحیح در سخن‌گویی نداشتند و پدر و مادر آنها و اطرافیان‌شان سرمشق درستی به آن‌ها نداده‌اند همچنین نوآموزان که در آغاز تحقیق در دبستان با شکست‌ها و محرومیت مواجه شده‌اند اثرات مخرب در ذهن آن‌ها باقی مانده است.

چگونگی بیان یک کودک به وضع روحی آن نیز کاملاً مربوط است.

بسیاری از کودکانی که از جهت بیان با مشکلاتی مواجه می‌شوند آنهایی هستند که زندگی‌شان از نظر عواطف و تاثیرات روحی متعادل و متوازن نیست.

انواع معایب عبارتند از از:

کمرویی و به خصوص ناراحتی هنگام صحبت در برابر جمعیت، رغبت زیاد به پرگویی، کند و بریده بریده صحبت کردن و یا خیلی تند صحبت کردن، بی توجهی و گوش نکردن به صحبت دیگران/ پرت و پلا گفتن

راهکارهای رفع معایب:

کلمات را با دقت انتخاب کنند، آنچه را قطع دارند بگویند سازماندهی کنند، بر نکات اصلی تمرکز کنند، از زبان، لحن و آهنگ مناسب استفاده کنند، درباره خود و خانواده شان صحبت کنند، درباره آرزوهای خود صحبت کنید، خلاصه درس را بگویند.

✓ اشکالات تلفظ:

حدود ۷ درصد از نوآموزان، هنگامی که وارد دبستان می‌شوند، از نظر بیان شفاهی و تلفظ، نقصهایی دارند، از قبیل: تو دماغی و نامفهوم صحبت کردن، گرفتن زبان و مکرر تلفظ کردن صوت ها، تلفظ بعضی از صامت ها به جای صامت هایی دیگر، نوک زبانی تلفظ کردن سین، شین، ...، داشتن لحن یا صدای غیر عادی، لب شکری بودن

✓ عوامل موثر در پیشرفت یادگیری اصول سخن گفتن:

(۱) وضع جسمی، هوشی و عاطفه‌ای کودک:

کودکان سالم و با نشاط، اصولاً پرحرف هستند. هر چقدر زندگی کودک از نظر روحی و عواطف متعادل باشد، بهتر می‌تواند به اصول صحیح سخن گفتن توجه کند.

(۲) موقعیت خانوادگی و محیط:

از آنجا که کودک زبان را از راه تقلید قرار می‌گیرد، بدیهی است چگونگی سخنگوی پدر و مادر و وضع اجتماعی آنان در کیفیت سخنگویی او نیز تاثیر دارد.

کودک، اغلب طرز سخن گفتن پدر مادر خود را تقلید میکند. شیوه گفتار معلم و نزدیکان کودک نیز تاثیر بسزایی در و سخن گفتن او دارد، به ویژه معلمی کودک به عنوان الگو.

(۳) آموزش زبان مادری:

هنگامی که کودک وارد دبستان می‌شود و آموزش مهارت های زبانی را به زبان مادری خود می‌آموزد همه کارها و فعالیت ها و راهنمایی ها در دبستان طبیعی جلوه می‌کند و به بهترین شکل ممکن انجام می‌شود اما هنگامی که دانش آموزی با زبان مادری غیر از زبان معیار وارد دبستان میشود با مشکلاتی روبرو خواهد شد که با روشهای منسوخ نمی‌توان این مشکلات را برطرف کرد.

خواندن:

یادگیری مهارت خواندن، مستلزم کسب مهارت های زیر است:

۱. بازشناسی دیداری عناصر زبانی اعم از حروف، کلمات و جمله ها (اولین مرحله)

۲. درک معنای این عناصر و روابط معنایی موجود بین آنها

۳. درک پیام جمله و متن

در پایه اول، معمولاً مهارت نخست آموزش داده میشود.

◆ آموزش مهارت خواندن در برنامه درسی فارسی ابتدایی:

- خواندن در برنامه دبستان های پیشرفته ، یکی از کارها و فعالیت های کودکان است که به منظور کسب آگاهی درباره مطلبی انجام می شود که مورد علاقه آنان است برای ارضای حس کنجکاوی ، برای یافتن جوابی در برابر پرسشی که دارند و به خاطر مسرت ای که از خواندن داستان ها و قصه های جالب و شیرین در ذهن آنان حاصل می شود.
- در واقع خواندن ، عملی است که با فکر سروکار دارد و پیشرفت در مهارت خواندن با پرورش نیروهای فکری و ذهنی مانند داوری ، تخیل ، استقلال توأم می باشد.
- قبل از شروع تعلیم خواندن ، آموزگار باید درباره رابطه رشد با خواندن و تشخیص آمادگی کودکان آگاهی لازم را به دست آورد.
- هدف درس خواندن ، از همان آغاز نباید تنها به ارتباط فرد با تلفظ معطوف باشد یعنی کافی نیست که کودک با دیدن شکل حرف ها و کلمه ها تنها متوجه طرز تلفظ آنها شود بلکه باید عمل خواندن به عنوان مسیر انتقال پیام و مفهوم معرفی شود.

◆ آمادگی خواندن:

- ◆ خواندن عبارت است از درک معنی و مفهوم . این درک مفهوم ممکن است از راه مشاهده کلمه هایی که نوشته شده اند ، و عمل آید. گاهی هم تصویر و شکل به جای نوشته ، وسیله انتقال مفهوم است. نخستین تجربه کودک از درک مفهوم ، از طریق تماشای شکل ها و تصویر ها حاصل می شود.
- ◆ رشد مقتضی از نظر سن و هوش ، بهداشت جسمی و فکری ، تعادل احساسات و عواطف ، نداشتن نفت در اعضای گفتار و عادی بودن حواس بینایی و شنوایی ، از جمله شرایط توفیق در فعالیت مرحله آمادگی خواندن است.

بی صدا خواندن یا مطالعه:

فعالیتی را که مطالعه نامیده میشود ، نمی توان تنها با یک کتاب کلاسی انجام داد. حتماً باید کتاب های بیشتری در اختیار شاگردان قرار گیرد تا مطالعه با حس رغبت و علاقه و ارضای حس کنجکاوی همراه باشد. مطالعه نباید به صورت تکلیف اجباری برای کودکان معین شود ، بلکه وظیفه آموزگار تنها تشویق و راهنمایی و تعلیم و اصول مطالعه است تا نوآموزان با میل و رغبت باطنی به فعالیت های گوناگون مطالعه بپردازد.

قرائت یا روخوانی :

در درس قرائت همینقدر که شاگرد بتواند کلمه ها را درست تلفظ و معنی تحت الفظی برای جمله ها را بگوید کافی است. باید توجه داشت که مهارت خواندن با این عمل خیلی فرد دارد و هدف مهمتر از این است که در کلاس آموزش

مهارت خواندن:

مخاطب شادی که چیزی می خواند ، به جای اینکه تنها آموزگار باشد ، همکلاسناو هستند و از این رو ، غالباً شاگرد روبروی همکلاسان خود می ایستد.

آموزگار به طرز ایستادن ، چگونگی نگاه ، لحن و صدای شاگرد توجه دارد و به موقع و راهنمایی های لازم را به عمل می آورد.

خواندن شعر :

نه فقط خواندن شعر مهارت است ، بلکه اگر آن ویژگی هایی که از لحاظ تشخیص محل مکث ، تکیه و لحن ضرورت دارد رعایت نشود ، معمولاً معنای شعر تغییر می یابد از این رو ، آموزگاران در درجه اول باید خودشان با مهارت خواندن شعر آشنایی داشته باشند و از همان ابتدا به دانش آموزان خود اصول و قواعد صحیح خواندن شعر را یاد بدهند.

دشواری های خواندن:

بعضی از علت های عقب افتادگی در خواندن دانش آموزان:

- * ناراحتی از اختلاف های خانوادگی
- * اختلال هایی از نظر روحیه و شخصیت مانند ترس ، نگرانی ، عدم اعتماد به خود..
- * نقص حس بینایی
- * عدم تطابق روش تدریس ، با سابقه ، استعداد و توانایی کودک
- * مشکلاتی از جهت تکلم و شنوایی
- * سوء تغذیه و ناراحتی های جسمی

علت های یاد شده مربوط به کودکان عادی است یعنی کودکانی که از نظر جسمی و عقلی غیر طبیعی نیستند. به طور کلی عقب افتادگی در خواندن منحصر به یک علت نیست و چند علت به طور همزمان در آن دخیل است. اختلال روحیه و شخصیت طفل به قدری در عقب افتادگی در خواندن موثر است که غالباً دیده می شود ، این دو امر لازم و ملزوم یکدیگرند. بنابراین دبستان ها از دو طریق می توانند به کودک کمک کنند: یکی از جهت تقویت روحیه و رفع نگرانی ها و دیگری به وسیله تشویق و راهنمایی شاگرد برای پیشرفت در خواندن.

فرایند درک خوانداری :

درک خوانداری فرایندی است که در آن ، خواننده از طریق تعامل و مواجهه با یک زبان نوشتاری ، به طور همزمان معنی را استخراج میکند و شکل میدهد.

✓ درک خوانداری شامل سه جز است : خواننده ای که درک کند. متنی که باید درک شود. فعالیت خواندن که درک بخشی از آن است

خواننده:

خواننده برای درک باید از ظرفیت ها و توانایی های گسترده ای برخوردار باشد این ظرفیت ها و توانمندی ها شامل موارد زیر است:

۱. ظرفیت شناختی: مانند دقت ، حافظه ، توانایی تحلیل
۲. انگیزه: داشتن هدف برای خواندن ، علاقه به متن خوانده شده
۳. انواع دانش: دانش واژگانی ، زمینه ای و موضوعی ، زبانی و کلامی
۴. متن: هر قطعه زبانی کاربردی که به عنوان یک واحد ، در بافت موقعیتی خاص ، ایفای نقش کند ، متن را تشکیل می دهد. متن ممکن است گفتاری و نوشتاری باشد ، با هر سبک یا هر گونه ادبی.

فعالیت خواندن:

فعالیت خواندن شامل موارد زیر است:

هدف ، پردازش متن مورد نظر، نتایج حاصل از فعالیت خواندن

* هدف از خواندن: در فرایند خواندن ، نوع استنباط خواننده از مردم به هدف از خواندن آن بستگی دارد. به عبارت دیگر ، هر خواننده در راستای هدفی که دارد در بخش خاصی از مطالب متن تمرکز می کند بنابراین استنباط او نیز بر اساس موضوع مورد توجه متفاوت خواهد بود.

مدل سازنده گرایی ، پیش بینی دقیقی در مورد انواع استنباط هایی که از خواندن متن حاصل می شود ارائه می کند.

آموزش درک خوانداری بر اساس مدل سازنده گرایی: هدف از خواندن

در این مرحله دانش آموزان با متون علمی و ادبی آشنا می شوند. اهداف خواندن را می آموزند و متناسب با هدف خواندن ، انواع خواندن از مطالعه پیمایشی و مرور اجمالی را فرامی گیرند.

در موضوعاتی که در راستای محور هدف از خواندن ، آموزش داده می شوند عبارتند از:

- آشنایی دانش آموزان با انواع متون شامل متون ادبی و علمی
- آشنایی دانش آموزان با خواندن برای یافتن اطلاعات صریح متن و رسیدن به استنباط های مستقیم
- آشنایی دانش آموزان با شیوه مرور اجمالی متن برای درک مقدماتی
- آشنایی دانش آموزان با شیوه مطالعه پیمایشی متن برای یادگیری

آموزش خواندن انواع متون شامل متون ادبی و علمی:

برای آموزش خواندن متون ادبی و علمی میتوان دانش آموزان را به گروه های ناهمگن شامل دانش آموزان تند آموز ، کن تا آموز و مبانی آموزش روز تقسیم بندی کرد. سپس دو نوع متن به گروه ها داده می شود و از آنها خواسته می شود دو متر را بخوانند و در مورد تفاوت دو مردانه با هم مشورت کنند در پایان یکی از دانش آموزان دوستون روی تخته می کشد و تفاوت هایی را که گروه ها بیان می کنند ، زیر جستجو می نویسد. در واقع بی ادبی را نشان میدهد.

برای تمرین در کلاس می توان به دو شیوه زیر عمل کرد:

۱. معلم از گروه ها خواهد دو متن ادبی و دو متنی از کتابهای بخوانیم و علوم پیدا کند و در مورد آنها با هم

گفتگو بپردازند

۲. متن کوتاه توسط معلم به دانش آموزان ارائه شود و سپس از آنها خواسته شود ، هر دانش آموز را بخواند و با تمرکز بر محتوای متن نامت را مشخص کند.

آموزش خواندن برای یافتن اطلاعات صحیح متن و رسیدن به استنباط های مستقیم:

در این روش میتوان بعد از گروه بندی دانش آموزان به شیوه فوق ، یک مطلب گروه‌ها داد و از آنها خواستم تا بخوانند و به کمک یکدیگر تمامی اطلاعات را که صراحتاً در متن بیان شده روی یک ورق کاغذ بنویسند. در پایان به ترتیب از هر گروه یک دانش آموز کنار تخته می‌آید و یک جمله از اطلاعات متن را روی تخته می‌نویسد. در پایان معلم در زمینه یافتن اطلاعات صریح متن آگاهی لازم را به دانش آموزان می‌دهد.

آموزش مرور اجمالی متن برای درس مقدماتی:

در این روش بعد از گروه بندی دانش آموزان به روش فوق ، معلم متنی به گروه‌ها می‌دهد و از آنها می‌خواهد متن را در کوتاهترین زمان بخوانند و در مورد کلیات مطلب آن با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند. در پایان به ترتیب از هر گروه یک دانش آموز انتخاب شد تا ببیند متن درباره چه بود سپس معلم شیوه مرور اجمالی متن را برای درک مقدماتی به دانش آموزان آموزش می‌دهد.

انسجام متن:

- انسجام متن بیان می‌دارد که خواننده تلاش می‌کند به بازنمایی معنایی متن دست یابد. این باز نمایی هم در سطح موضعی و هم سطح کلی منسجم است. در واقع ، خواننده بر اساس ابزارها و علائم زبان‌شناختی آشکار در متن میان گزاره‌های متن ارتباط برقرار می‌کند.
- روابط منسجم بین گزاره‌های متن در ذهن خواننده به کمک نشانه‌های زبان‌شناختی و کلامی به وجود می‌آید. این نشانه عبارت است از: واژه ، عبارت ، جمله یا مشخصه آشکاری که خواننده را در تعبیر و تفسیر ایده‌های اصلی متن هدایت می‌کند .

- ❖ **هم مرجعی:** مرجع ای زمانی رخ می‌دهد که مرجع دو واژه یک شخص ، یا ایده واحد باشد. ضمیر متن ، نمونه‌ای از هم مرجعی هستند. در حقیقت ، خواننده ماهر قادر است مرجع ضمیر متن را تشخیص دهد.
- ❖ **ضمایر اشاره‌ای:** در مکالمه این ضمایر به شخص ، مکان و زمان اشاره دارد.
- ❖ **حروف ربط:** حروف ربط در حقیقت رابط‌های اجزای متن هستند که جملات و عبارات همجوار را به یکدیگر مرتبط می‌کنند که عبارتند از: حروف ربط عاطفی، حروف ربط زمان مانند سپس پس از ، در طی ،حروف ربط قصدی مانند از طریق، حروف ربط تباینی می مانند اما ، اگرچه
- ❖ **زمان فعل و ترتیب زمانی وقایع:** وقایع و رخدادها در متون ادبی و همینطور متون علمی طبق ترتیب زمانی معینی به خواننده عرضه می‌شود.

- ❖ **تغییرات صحنه:** صحنه بافت فضایی است که رخدادها و وقایع در آن اتفاق می افتد. تغییر بافت مکانی رخدادهای متن موجب می شود خواننده زمان بیشتری برای درک آن صرف کند.
- ❖ **عناوین و نکات برجسته:** عنوان ها ، زیر عنوان ها و کلماتی که برجسته شده اند ، نقش های کلامی متعددی در فرایند ادراک دارند.
- ❖ **جملات موضوعی:** یکی از قراردادهای بلاغت در متون علمی این است که معمولا اولین جمله هر بند ، موضوع و مضمون اصلی آن را بیان کند و جملاتی که به دنبال آن می آیند در توضیح جمله اول بیایند.
- ❖ **نقطه گذاری:** انواع متفاوتی از علائم. گذاری وجود دارند که هر یک معنای قراردادی خاصی را به خواننده منتقل میکنند. این علائم شامل. ،! ،؟ و... هستند.
- ❖ **سرنخ ها و نشانه های اطلاعات کهنه و نو:** هر متن حاوی جملاتی است که آن جملات دارای اطلاعات کهنه و نو هستند.
- ❖ **علائم و نشانه های ساختار بلاغی:** متون علمی و ادبی ، انواع و ساختار های متفاوتی دارند. رابطه های انسجامی پیر بود نقش عمده ای در شناسایی و سازماندهی ساختار بلاغی متون مختلف دارند.

آموزش نقطه گذاری :

برای آموزش نقطه گذاری بعد از گروه بندی دانش آموزان با معلم متنی را به گروه ها می دهد. در این مسائل از نقطه گذاری استفاده شده و زیر علائم خط کشیده شده. دانش آموزان می خواهیم در مورد بخشی که زیر آن خط کشیده شده است و گفته بودند و به سوالات پاسخ دهند.

آموزش سرنخ ها و نشانه های اطلاعات کهنه:

برای آموزش سرنخ ها و نشانه های اطلاعات نو ، بعد از گروه بندی دانش آموزان معلم متن را به گروه ها می دهد. در این متن زیر اطلاعات کهنه جمله خط کشیده شده است. معلم از دانش آموزان می خواهد با مشورت و همفکری زیر جملاتی که خط کشیده شده است گفته و گو کنند.

آموزش تمرکز :

تمرکز توجه ، از تکنیکهای نظارت و خود نظم بخشی است . دانش آموزان باید یاد بگیرند توجه خود را روی متن متمرکز کنند.

نوشتن : نوشتن ، برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات و عقاید از طریق نشانه های نوشتاری است. در واقع ، نوشتن آفرینش و خلاقیت کامل است که در یک طرف آن خلق افکار و اندیشه ها و در طرف دیگر ، خلق و نظم بخشی این اندیشه ها در قالب های زبانی صورت می پذیرد.

✓ نوشتن یکی از مهارت های اصلی و پیچیده زبان است. املا که در قالب های دست ، رونویسی و تبدیل شنیدار به نوشتار آشکار میشود ، مهارتی خطی است که مبتنی بر رویکرد همگراست .

✓ انشا مهارتی آفرینش ای ، مبتنی بر خلاقیت و رویکرد واگرا است.

شرایط نوشتن :

❖ . نخستین شرط برای اینکه نوآموزی به بیان کتبی بپردازد ، این است که فکر با ارزشی داشته باشد. شرط دوم این است که بتواند فکر خود را با جمله های مناسب و روشن ، به طوری که به وسیله دیگران به آسانی قابل فهم باشد شرط سوم در نوشته ، درست بودن جمله بندی و نداشتن خطاهای املایی است. شرط چهارم خوانا و خوش خط بودن نوشته است.

فرق نوشتن با انشا :

مفهومی نوشتن خیلی وسیع تر از مفهوم انشا است. نوشتن از همان زمانی آغاز میشود که نوآموز در کلاس اول ابتدایی نام خود را با یک کلمه ساده روی کاغذ می نگارد. انشا از کلاس چهارم شروع می شود

املا : یاد گرفتن املای صحیح کلمه ها در هر زبان ، جز شرط های تسلط در نوشتن است.

مراحل یادگیری نوشتن:

(۱) توانایی نوشتن حروف الفبا یا حرف نویسی

(۲) توانایی ترکیب صحیح حروف یا کلمه نویسی

(۳) توانایی ساخت کلمه یا کلمه سازی

(۴) توانایی بیان پیام از طریق جمله و جمله سازی

(۵) توانایی متن نویسی مانند نوشتن یک انشا نامه و ...

آموزش رونویسی :

۱. مرحله اول شناخت و تولید اشکال مشابه حروف : این مرحله با دست ورزی برای شناخت و تمرین نشانه ها آغاز می شود. در این مرحله دانش آموزان باید موارد زیر را بدانند : نوشتن از راست به چپ ، از بالا به پایین نوشتن از پایین به بالا، نوشتن حروف دارای انحنا یا نیم دایره، نوشتن حروف مورب از بالا به پایین
۲. مرحله دوم: شناخت و تولید الفبای فارسی رونویسی یا تقلید از حروف موجود در کتاب یا نوشته شده روی تخته کلاس مشخص کردن حروف در کلمه های داده شده ، تشخیص اختلاف حروف سازنده کلمه، تشخیص کلمات هم پایان و هم آغاز ، تشخیص دادن حروف سازنده کلمات ، تشخیص تعداد دندان های حروف

آموزش املا: املا نویسی به معنی توانایی جانشین کردن صحیح صورت نوشتاری حروف ، کلمه ها و جمله ها به جای صورت آوایی آنها.

دانش آموزان هنگام نوشتن املا باید نکات زیر را رعایت کنند: جمله ها و عبارت ها را خوب بشنوند ، آنها را خوب تشخیص دهند ، آنها را درست بنویسند

❖ اشکالات املايي دانش آموزان که بر اثر عوامل رسم الخطی ، تاثیر لهجه ها و گویش های محلی و فرایندهای آوایی حذف ، تبدیل ، افزایش و قلب به وجود می آیند عبارتند از:

ضعف در حساسیت شنوایی مثل ژاله و جاله ، ضعف در حافظه شنوایی مثل جا انداختن کلمات ، ضعف در حافظه دیداری مثل حيله و هيله ، ظرف در حافظه توالی دیداری مثل مادر و مارد ، قرینه نویسی ، وارونه نویسی ، نارسا نویسی

آموزش کلمه سازی: کلمه سازی را می توان آغاز مرحله نوشتن فعال دانست.

در تمرینات کلمه سازی از شیوه های زیر می توان سود جست:

❖ استفاده از حروف در ساختن کلمات و بازی اسم فامیل

❖ استفاده از ساخت صرف کلمات مانند مفرد و جمع

❖ پیشوندها و پسوندها

❖ نشانه های مربوط به ساز

❖ حالت مضاف و مضاف الیه

انشا و روش های آموزش آن:

- * انشا مرحله نگارش فعال یا خلاق است که خود هدف غایی آموزش مهارت نوشتن محسوب می شود.
- * تمام مراحل قبلی نوشتن یعنی رونویسی ، کلمه سازی دیود املا ، جمله سازی و بند نویسی در واقع مقدماتی هستند با دانش آموز را آماده نگارش کند.

برخی از ملزومات دست در بر نوشتن فعال یا انشا در دوران دبستان:

توانایی به کارگیری اطلاعات ، دانش ها و تجربیات خود ، توانایی سازماندهی و نظم بخشی و افکار ، مقاصد و نوشته های خود ، توانایی استفاده از علائم نگارشی ، خلاصه سازی متون داده شده ، توصیف یک رویداد یا واقعه ، یادآوری و توصیف یک ماجرای شخصی یا فاطمه

روش های آموزش انشا:

روش سنتی: انتخاب چند موضوع توسط معلم و نوشتن انشا در این موضوعات توسط آموز دانش آموزان

روش الگو های نوشتاری: ارائه انواع نوشته ها توسط معلم و تکمیل تفسیر توسط دانش آموزان

روش مراحل نگارش: پیش از نگارش ، مرحله نگارش ، مرحله ویرایش و بازنویسی

فصل سوم

مقدمه:

کودک از هنگام نوزادی در کاربرد زبان رشد می کند اما رشد زبان در کودکان یکسان نیست ولی همگی کودکان مراحل رشد را می پیمایند.

در حدود سه ماهگی صوت هایی ادا میکند که به صورت پیش ساده در گلو هستند .

در شش ماهگی صامت ها را ادا می کند . ترکیبهای که غالباً به صورت هجا های مکررند ، نخستین کلمه هایی هستند که کودک به زبان می آورد مانند بابا ، ماما ، دادا .

در نه یا ده ماهگی کودک کلمه هایی را که برابر مفهوم ارادی آنها هستند ادا می کند مثلاً شاید اول برای آب بگوید ولی به تدریج مفهوم آب را از اطرافیان یاد بگیرد.

در یک سالگی سه تا پنج کلمه را می تواند از روی اراده بگوید و باقی کلمات را به صورت ناقص میگوید . اعضای صورت خود را با نامیدن اسم آنها نشان می دهد. ندر این سن یک کلمه برای کودک مفهوم یک جمله را دارد مثلاً وقتی تشنه می شود می گوید آب به این دوره ، دوره یک کلمه ای می گویند.

از ۱۸ ماهگی تا دوسالگی به سرعت کلمه ها را می آموزد.

در پایان دوسالگی: تعداد کلمه های گویای کودک ۲۵۰ تاست که در میان شان اسم فعل و عدد و قید دیده می شود. همچنین جمله های دو کلمه ای می گوید. مثل نی نی لا لا.

در سه سالگی : کودک با جملات کوتاه سه چهار کلمه ای حرف می زند. میتواند پرسش و پاسخ کند . تا ۶۰۰ کلمه به کار می برد . او در این سن به دیگران کم توجهی می کند و تیکه کلامش (من) است .

از ۴ سالگی: تفادت استعداد کودکان آشکار میشود. وضع اقتصادی و موقعیت خانواده اش از طرز صحبتش آشکار می شود . اگر خانواده به کودک قصه بگوید و بازبان سنجیده صحبت کند باعث پیشرفت او در مهارت های زبانی می شود.

کودک ۵ ساله : دوست داشتنی هایش قصه حیوانات _ توضیحات مربوط به خانه سازی و کشتی و ترن و هواپیما (خیلی پر گو هستند و بیشتر باهم و همصدا گفت گو می کنند. ذهن کودک ۴_۵ ساله پر از پرسش است و باعث می شود با هر چیزی آزمایش و تجربه کنند.

از ۶ تا ۱۲ سالگی: اکثر کودکان از ۶ سالگی به دبستان میروند.

سرعت تغییر و پیشرفت کندتر از قبل از دبستان است ولی معلم احساس می کند. شش سالگی برای کودک سن تحول جسمی و عاطفی است. بدن کودک از نظر فیزیکی و شیمیایی خیلی سریع رشد می کند.

کودک ۶ ساله: بازی و تقلید ، سروصدا و شوخی و .. رادوست دارد.

در سن ۶ سال تا حدود ۱۵۰۰ کلمه به کار می برد و درک و فهم او حدود ۱۷۰۰۰ کلمه است.

- ✚ کودک ۷ ساله از خود انتقاد میکند(نوشته هایش را پاک میکند).
- ✚ احساس نیازمندی کودک در این سن در هنگام پرسش مربوط به جل توجه بزرگسالان است.
- ✚ دوست داشتنی هایش: (داستان دیو و پری، توضیحات طبیعت، گفت و گوهای اجتماعی، آزمایش با افراد گروه خود، وسایل نقلیه کارخانه و ..)
- ✚ کودک ۸ ساله: قصه های طولانی _ حفظ کردن و از بر کردن _ از قصه و شعر تکراری خسته نمی شود_ اگر تغییر در قصه احساس کنند آن را اصلاح می کنند چون دوست دارند قصه به همان عبارت اول خوانده شود_ نامه نگاری _ داستان پهلوانی و تماشای شکل های مربوط).
- ✚ کودک ۹ ساله: (احساس شخصیت _ مستقل_ از برخی چیزها علاقمند و از برخی ابراز بی علاقهگی _ تفکر مستقل و اصالت بیان در صحبت کردن_ انتقاد از کار خود).
- ✚ کودک ۱۰ ساله: شرکت در بحث و استدلال _ علاقمند به بررسی مسائل مربوط به محیط _ خوشحالی از فعالیت هایی که متضمن نوشتن های گوناگون است _ در نوشتن ممکن است آثار ابتکاری و ابداعی ارائه دهد). از ده سال به بالا استعداد آشکار میشود_
- ✚ کودک ۱۱ _ ۱۲ ساله: آمادگی پذیرش اصول نظم و انضباط_ از این سن به بعد میتوان کودک را علاقمند به اصلاح اشتباه های خود در گفتار یا نوشتار علاقمند و کنجکاو ساخت.

○ تقسیم دوره دبستان از نظر رشد و آموزش مهارت زبان:

- الف) کودک ۶ و ۷ و ۸ ساله (کلاس اول و دوم)
- ب) کودک ۹ و ۱۰ ساله (کلاس سوم و چهارم)
- ج) کودک ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ساله (پنجم و ششم)

- ✚ درس و کار و فعالیت باید با آمادگی و رشد کودک مطابقت کند.
- ✚ محیط زندگی و خانوادگی کودک بیشتر از آموزشگاه در کیفیت کاربرد زبان موثر است.
- ✚ میان کودکانی که به کودکستان رفته و آنهایی که نرفته اند در بیان و گفت و گو برای یادگیری تفاوت هست. معلم باید برنامه های خاص تنظیم کرده و این عقب افتادگی ها را جبران کند.
- ✚ آموزگار باید در مقابل پرسش های کودکان ساده و دقیق و خلاصه پاسخ دهد و عکس العمل داشته باشد تا حس نیاز کودک برطرف شود.

ویژگی کودکان دبستانی:

- * بنیانی ترین گام در آموزش مخاطب شناسی و پی بردن به جهان فکری و پهنای روانشناختی و آشنایی با نیاز های اوست.
- * شناخت مخاطب و ویژگی هایش معلم را در اجرای تدریس موفق یاری میکند.

* از مهم ترین وظایف معلم: آگاهی از ویژگی های جسمی ، شناختی و عاطفی دانش آموز.

دوره کودکی به سه بخش تقسیم میشود: از تولد تا ۳ سالگی ، ۳ تا ۷ سالگی ، ۷ تا ۱۲ سالگی

* در دوره ۷ تا ۱۲ تغییرات شگرفی در کودک ایجاد می شود. وقتی کودک به مدرسه می رود محیط اجتماعی او گسترش می یابد .

ویژگی های جسمی:

- در آغاز ۶ سالگی کودک رشد جسمی آرامی دارد.
- میزان قد معمولی او حدود ۱۱۰ تا ۱۲۰ سانت و وزن او حدود ۱۸ تا ۲۴ کیلوگرم است. در طول دوره دبستان هر سال حدود ۷ سانت و ۴ کیلو به قد و وزن کودک افزوده می شود. در پایان دوره ابتدایی قد او حدود ۱۵۰ سانت و وزنش حدود ۴۰ کیلو است .
- تا ده سالگی اغلب پسران از دختران بلند ترند ولی از ده به بعد قد دختران بیشتر است ، این مورد در وزن نیز صادق است.
- تا نیمه دبستان قد و وزن پسرها بیشتر از دختران است اما پس از آن دختران از پسر ها بیشتر رشد می کنند.
- در دوره ابتدایی استخوان بندی کودکان قوی تر شده و در پایان این دوره دندان های طبیعی جای دندان های شیری را می گیرد. (دندان شیری از شش سال به بعد از بین می رود).
- ضربان نبض کودکان نیز کم کم کاسته می شود و فشار خون شان افزایش می یابد و میل شان به غذا بیشتر است. پسران بافت ماهیچه ای قوی تر و دختران چربی بیشتر دارند.
- از لحاظ ارثی و رژیم غذایی خانواده برخی کودکان لاغر و چاق و برخی کوتاه و بلند اند.
- سلامت جسمی در سازگاری اجتماعی و عاطفی کودک موثر است ، بیماری طولانی ممکن است موجب افت تحصیلی کودک شود.

ویژگی های حرکتی:

در دوره ابتدایی قدرت بدنی ، تحمل پذیری ، چالاکي ، قدرت عضلانی، سرعت عمل کافی برای انجام حرکات ظریف و پیچیده (نوشتن ، علامت گذاری، رسم تصویر و ...) ، سرعت عمل و هماهنگی حرکات دانش آموزان افزایش قابل ملاحظه ای می یابد.

ویژگی های اجتماعی و عاطفی:

- ☆ اضطراب و تنش درونی آفت یادگیری است.
- ☆ اضطراب موجب عدم یادگیری و موفقیت دانش آموز میشود.
- ☆ کودکان روحیه حساس دارند و تمسخر و تحقیر و ... آن ها را عصبی میکند. دلهره از ویژگی هایی است که همیشه همراه کودکان ابتدایی است.
- ☆ معلم باید تنش ها در کلاس را رفع کرده و فضای اعتماد را در کلاس به وجود آورد.
- ☆ کودکان ۶ ساله جنگ و گریز با همسالان را جزو حقوق خود می دانند ولی کم کم به حالت تعادل می رسند.

- ☆ بهترین سرگرمی دانش آموز ابتدایی این است که مدت ها روی زمین دراز بکشد بخواند و بنویسد.
 - ☆ علاقه به لوازم التحریر و تلویزیون و تماشای فیلم دارد.
 - ☆ اوایل دچار دوگانگی روانی است و بعضی اوقات شاد یا غمگین است.
 - ☆ گاهی مسائل را یاد می‌گیرد یا فراموش می‌کند و گیج است و گاهی گمان می‌کند کسی او را دوست ندارد. در کنار زبان معیار زبان عامیانه را نیز بع‌گاز می‌برد. تلفظ کلمات و آهنگ جمله‌ها را به خوبی ادا می‌کند. به شکست خود معترف است.
 - ☆ استرس‌های بی‌اساس و توهم‌زا دارد. در این دوره این پندار که اشیا هم مانند حیوانات روح دارند را کنار می‌گذارد.
 - ☆ رشد عاطفی اجتماعی کودک در این دوره بسیار سریع است و معلمان و هم‌کلاسی‌ها در آن نقش دارند. کودک در مدرسه علاوه بر خواندن نوشتن مطالب و روش‌های جدید و تعامل اجتماعی هم می‌آموزد. (مدرسه اجتماعی شدن کودک را سرعت می‌بخشد). هم‌چنین به رقابت با هم‌علاق‌مندان.
- ویژگی‌های ذهنی:

- مهارت‌ها: مهارت حل مسئله _ درک روابط علت و معلولی پدیده‌ها.
 - رشد ذهنی کودک در سنین ۷ تا ۱۲ سالگی در مرحله عملیات عینی یا محسوس است و کودک توانایی انجام اعمال منطقی را دارد و توانایی تفکر در مورد اعمال مختلف بدون آزمایش و خطا را دارد ولی هنوز قادر به حل مسائل انتزاعی نیست و فقط از عهده مسائل عینی بر می‌آید مثلاً می‌تواند محسوسات را طبقه‌بندی کند.
- یادگیری زبان فارسی:

❖ ماهیت و منشا شناخت و یادگیری انسان، ذاتی است یا اکتسابی؟

- سوال بالا سوالی است که به بحث درباره اهمیت یادگیری و منشا شناخت انسان از پدیده‌های عالم هستی می‌پردازد و در میان روانشناسان مطرح است و دامنه آن در قرن اخیر پس از رشد علم زبان‌شناسی رشد یافته است.
- طرفداران ذاتی بودن یادگیری: فرایند یادگیری امری ذهنی است که از ویژگی‌های ذاتی انسان بهره می‌برند. نظریه‌های این گروه بر سازوکارهای ذهنی و درونی و فرایندهای شناختی تکیه می‌کنند و به همین لحاظ ذهن‌گرا با شناخت‌گرا خوانده می‌شوند. این اندیشه‌ها بیشتر بر استعداد‌های فطری یا ساخت‌شناسی ذهن انسان تأکید می‌کنند.
- معتقدان به اکتسابی بودن یادگیری: منشا شناخت و یادگیری انسان خارج از انسان است و ما شناخت خود را کلاً از عالم خارج کسب می‌کنیم. این گروه فرایند یادگیری را منحصر بر رفتار قابل مشاهده تأکید می‌کنند و به همین لحاظ رفتار‌گرا خوانده می‌شوند و در خصوص یادگیری زبان بیشتر بر نوعی نظریه یادگیری تأکید می‌کنند.
- گروهی از دانشمندان که خود را رفتارگرایان شناختی می‌نامند، باور دارند یادگیری انسان را نمی‌توان بر حرکات محیطی صرف و یا فرایندهای درونی انسان منحصر دانست بلکه باید به هر دوی این عوامل به عنوان عوامل مکمل و لازم و ملزوم در فرایند کلی یادگیری انسان نگریسته می‌شود.

مهم ترین نظریه های مبتنی بر رفتارگرایی:

- ✓ نظریه ادوارد ثرندایک
- ✓ نظریه یادگیری گشتالت گرایان
- ✓ نظریه معنادار دیوید آزوبل
- ✓ نظریه پردازش اطلاعات (خبرپردازی)
- ✓ نظریه شناختی پیازه
- ✓ نظریه شناختی برونر
- ✓ مهم ترین نظریه یادگیری بر رفتارگرایی شناختی نظریه یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا است.

نظریه شرطی سازی عامل:

اعتقاد روانشناسان رفتارگرا: یادگیری انسان از جمله زبان اکتسابی است. ذهن انسان لوح سفیدی است که وقتی زبان مورد نظر وارد این صفحه شود، یادگیری تحقق یافته است. ذهن انسان پذیرای محک های زبانی بیرونی است و مشاهده رویدادهای جهان خارج کودک را به تولید زبان وا می دارد.

به عقیده اسکینر انسان از راه آزمایش و خطا به یادگیری زبان می پردازد او آزمایش هایی درباره یادگیری روی موش و کبوتر انجام داد و این نوع یادگیری را شرطی شدن عامل نامید و آن را تربیت از راه پاسخ های ارادی نامید.

به نظر اسکینر تنها شرط لازم برای فهم چگونگی یادگیری زبان این است که بتوانیم متغیرهای حاکم و عوامل بیرونی را مشخص کرد.

به تعبیر اسکینر اگر رفتار زبانی مثبت باشد نتیجه مثبت دارد و تقویت مثبت بر اثر پاداش زبانی فرد است و اگر منفی باشد بالعکس .

از دید رفتارگراها کودک در یادگیری زبان از عامل تقلید کمک می گیرد.

- بسامد استفاده و کاربرد واژه ها و همچنین تایید یا عدم تایید اطرافیان عامل مهمی در تقویت یادگیری زبان محسوب می شود.

نظریه یادگیری فطری زبان:

ایراداتی که نوام چامسکی (خردگرا و طرفدار یادگیری ذاتی زبان) به نظریه اسکینر وارد نمود:

۱_ رفتار انسان پیچیده تر از حیوانات است

۲_ رفتار زبانی یک رفتار نوع ویژه است که فقط خاص انسان است .

از دید چامسکی توانایی یادگیری زبان در انسان فطری است. هر کودک نظامی ذهنی به نام دستگاه فراگیری زبان دارد و او را قادر می سازد به طور نیمه آگاهانه فرضیه های بسازد. این نظریه بر فعالیت های ذهنی کودک تاکید می کند و می کوشد نقش عوامل محیطی را کم اثر نشان دهد.

الف) تقلید: تقلید در امر یادگیری زبان موثر است مهم‌ترین شواهد از انحراف‌های زبانی نظام مند حاصل می‌شوند مثل تعمیم افراطی که طی آن کودکان قواعد برخی ساخت‌ها را به نمونه‌های دیگر تعمیم می‌دهند مانند صورت‌های سوزیدم و کاریدم.

ب) بسامد عناصر: بررسی‌ها نشان داده بسامد واژه‌ها و ساخت‌هایی که در محیط یادگیری زبان به کار می‌روند در آن حد که رفتارگرایان بر آن تاکید دارند و یادگیری زبان اثر نمی‌گذارند. ۱_ زیرا اگر بسامد عناصر زبانی در یادگیری تاثیر زیاد داشته باشد پس نباید دچار تعمیم افراطی شوند. ۲_ عناصری هستند که از طرف بزرگسالان کاربرد دارند و پربسامدند سال‌ها طول می‌کشد تا کودکان آنها را به کار گیرند.

ج) تایید: رفتارگرایان تایید والدین و اطرافیان را در یادگیری زبان به عنوان مهم‌ترین نوع تقویت مطرح می‌کنند یعنی تاییدی رفتار زبانی و قابل قبول بودن آن از نظر دستوری وابسته است.

چامسکی در سال ۱۹۸۰ در مدل دستور جهانی مطرح کرده و خود نام آن را انقلاب دوم گذاشته.

✓ او معتقد است: زبان انسان از پاره‌ای اصول و پارامتر تشکیل شده .

اصول: قواعدی است که در همه زبان‌ها به صورت یکسان است و پارامترها ویژه هر زبان اند.

- پس کودک هنگام یادگیری زبان به یک سلسله اصول همگانی واقف است و نیازی به یادگیری مجدد آنها ندارد. تنها باید پارامترها درون ذهن انسان سامان یابند.
- اصول به طور خودکار در ذهن انسان وجود دارند و پارامتر را در جریان یادگیری زبان آموخته می‌شوند.
- دلیل مدیریت یادگیری عبارت است از دریافت صحیح درون داد درون‌داد زبانی شواهدی است که کودک از دانش زبان در ذهن خود بنا می‌کند .

در مدل دستور جهانی به موضوع زبان و یادگیری و تدریس آن به صورت زیر نگریسته میشود:

۱_ زبان دانشی است که در ذهن فرد قرار دارد دستور جهانی در ذهن شکل می‌گیرد و زبان‌های آموخته شده را کنترل می‌کند.

۲_ یادگیری زبان یعنی یادگیری مجموعه‌ای از پارامترها و فراگیری واحدهای واژگانی.

۳_ در زبان آموزی تدریس اصول لازم نیست در برنامه زبان آموزی باید درون‌داد های زبانی شامل پارامتر را مورد توجه قرار داد

۴_ تدریس واحدهای واژگانی باید به چگونگی وقوع آنها در ساختار دستوری مرتبط باشد.

نظریه یادگیری شناختی زبان:

* برخلاف رفتارگرایان (محیط گرایان) نهادگرایان تاثیر قوای ذهنی را بیشتر از تربیت می‌دانند.

- * برخلاف چامسکی (موافق وجود سازو کار فطری خاص) ، پیازه معتقد است رشد شناخت کودک فراگیری زبان او را هدایت می کند از دید او رشد زبان به رشد تفکر و شناخت منجر می شود ولی عکس آن صادق نیست.
 - * کودک قبل از صحبت دارای هوش حسی_ حرکتی است.
 - * اکتساب زبان تا زمانی که شماری از توانایی های شناختی مهم از جمله مفهوم پایداری شیء بروز نکرده شروع نمی شود و کودک قبل از صحبت به تعبیر دنیای پیرامون می پردازد و اشیا را رده بندی می کند.
- رشد زبانی: یعنی کودک بیاموزد چگونه آنچه را می داند بر زبان بیاورد.

زبان، جزء دانش و مقوله های شناختی است. رشد زبان، جنبه ای از رشد شناختی کودک است. پس پیشرفت، شناخت را هدایت نمی کند بلکه بازتابی از رشد شناختی است یعنی رشد شناختی فراگیری زبان را هدایت می کند.

نظریه یادگیری پردازشی (تعاملی) زبان :

در مقابل نظریه یادگیری فطری زبان ، نظریه یادگیری پردازشی زبان وجود دارد که زبان را فرایندی پویا در امر ارتباط می شناسد در واقع بیش از دانش ذهنی به آنچه در یک موقعیت زبانی واقعی رخ می دهد توجه نشان می دهد. دیدگاه پردازشی که بر وجود روال های پردازش اطلاعات است عقیده دارد نمی توان توان ذهنی کودک را نادیده گرفت و نمی توان درونداد زبانی و محیط یادگیری را به طاق نسیان سپرد.

- ✓ یادگیری زبان بر اثر تعامل مستمر داده های برونی و فرآیندهای درونی ذهن ما صورت میگیرد .
 - ✓ بر اساس نظریه پردازشی استعداد های شناختی انسان کمک میکند تا ساخت زبانی را که در محیط یادگیری با آن روبرو می شود را کشف کند.
- + درونداد: داده های زبانی محیط یادگیری
 - + سازوکار درونی: سازمان شناختی ذهن کودک
 - + برونداد: رفتار زبانی کودک.

رابطه زبان با فکر:

تجربه ها و احساس کودک سبب تولید تصورات ذهنی می شوند و هر قدر میزان دانش او بالاتر می رود، این تصورات ذهنی با کلمه های مناسب همراه می شوند.

- از این نظر وظیفه آموزگار این است که به وسعت تجربه ها و احساس شاگردان بپردازد و کوشش و مراقبت کند تا شاگردان واژه ضروری را برای بیان افکار و تصورات خود در دسترس ذهن داشته باشند. و با ایجاد موقعیت هایی برای اظهار و بیان مثل استدلال و مقایسه و ... کمک کند تا کودکان در شرایط طبیعی و واقعی یاد بگیرند، اندیشه های خود را در قالب لفظ لفظ بریزند و هم در ایجاد فکر و هم در مهارت بیان پیشرفت کنند.

رابطه زبان با شخصیت:

❖ رشد شخصیت و رشد زبان با هم ارتباط دارند. کودکی که اعتماد به نفس دارد و خود را موجودی مستعد و آماده همکاری در فعالیت‌ها می‌داند مهارت‌های زبانی را به آسانی یاد می‌گیرد در عین حال که عوامل دیگری مانع رشد طبیعی شوند.

❖ دوره دبستان از نظر تقویت حس علاقه نظم رغبت به فعالیت و کوشش و همچنین ایجاد نیروی ذوق ابتکار دوره مغتنمی است شوق انجام یافتن کاری که به عهده دانش آموز است اینکه احساس نیرو و پیشرفت می‌کند باعث تشویق می‌شود که به طور جدی کار و کوشش کند.

ویژگی دوگانه زبان:

زبان دو جنبه مشخص دارد که به هم مربوطند: یکی درک و دومی بیان .

● مانند گیشه‌های بانک اند که از دو عمل دریافت و پرداخت حکایت میکنند. بخشی از تصورات کودک از راه مشاهده و تجربه مستقیم به دست می‌آید این مخزن فکری کودک به وسیله تماشای شکل‌ها و مدل‌ها و از راه گوش دادن و خواندن غنی می‌شود اینها راههای دریافت اند که آگاهی‌ها و دانسته‌های کودک را زیاد میکنند.

● آموزگاران امنیت جنبه دریافت به وسیله کودک را نادیده گرفته و بیشتر روی جنبه ی پرداخت یعنی صحبت کردن و نوشتن تاکید میکنند.

● کودکی که مطلبی را که ارزش گفتن داشته باشد قبلاً درک نکرده چگونه میتواند از عهده بیان آن برآید؟

- هر بیانی نیازمند دو عامل است ۱_ فکری که بیان می‌شود ۲_ زبان یا واژه ای که برای بیان آن فکر لازمند .

= بنابراین پیش از آماده کردن هر دانش آموزی برای مهارت بیان آموزگار باید مطمئن شود که افکار و معانی لازم در نتیجه کار تجربه و فعالیت برای دانش آموز فراهم شده و با واژه‌های که آن افکار و معانی باید بیان شوند آشنایی دارد. در مورد هر بیان باید سه اصل رعایت شود .

۱_ چه می‌خواهیم بگوییم

۲_ به کی می‌گوییم

۳_ چگونه باید بگوییم

در حال حاضر و در برنامه‌های عادی آنچه مربوط به بیان است آموزگاران در ساعت‌های درس انشا تنها نوشتن را به شاگردان تعلیم میدهند یعنی تنها اصل سوم مد نظر است.

✓ آموزش زبان وقتی نتیجه بخش است که دبستان‌ها موقعیت‌های جدی و مطابق با زندگی بزرگسالان تهیه کنند.

فصل چهارم

مقدمه:

یاددهی (یا آموزش) ← فعالیت هایی که از جانب معلم برای یادگیری یادگیرنده مطرح می شود. ← مستلزم فعالیت دو یا چند نفر است.

یادگیری ← ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده بر اثر تجربه (دیدگاه خردگرا) ← معطوف به یادگیرنده

دیدگاه های یاددهی یادگیری

الف) دیدگاه یاددهی - یادگیری تجربه گرا: تجربه گرایان معتقدند معرفت تجربه حسی تنها وسیله ارتباط ما با واقعیات و جهانی است که ما را فرا گرفته است. اندیشه ها و عقیده ها از اندیشه های ساده تر تشکیل شده اند و ذهن ما همانند ماشین از عناصر وابسته به هم سازمان یافته است. تجربه تنها منبع اصلی دانش اندوزی است و یادگیری از راه کسب تجارب حسی صورت می پذیرد از این رو گفته میشود که اندیشه های انسان مستقیماً از تجارب حسی مایه میگیرند. در دیدگاه تجربه گرایی تداعی تنها سازوکار کسب دانش به شمار میرود که بنیان فکری و فلسفی آن به ارسطو بر میگردد. به اعتقاد پیروان این دیدگاه یادگیرنده حالت انفعالی دارد و رفتار او در اختیار یا تابع نیروهای درونی و بیرونی است. با توجه به اینکه کار اصلی این دیدگاه بررسی عناصر و اجزای بسیار کوچک یادگیری است تأکید بیشتر روی شرطی سازی است.

ب) دیدگاه یاددهی - یادگیری خردگرا: همان طور که قبلاً گفته شد بنیان فلسفی و فکری این دیدگاه به افلاطون بر می گردد. دیدگاه خردگرایی عقل و استدلال منطقی را یگانه وسیله شناخت و دستیابی به حقیقت می داند؛ بنابراین در این دیدگاه عقل یا خرد منبع اصلی دانش است و یادگیری از راه تعقل و استدلال صورت میگیرد.

خردگرایان دانش حسی را توده ای آشفته نامتمايز و نامنظم از معلومات میدانند که فقط مواد خام اندیشه را فراهم می آورد عقل و خرد است که آن را ساخته و پرداخته میسازد و به آن نظم و شکل قابل ادراک میبخشد.

یادگیری مهمترین ملاک برای تعیین هدفها و مهم ترین محور برنامه درسی است. تجربه همان تغییر رفتار بر اثر تأثیر متقابل انسان و محیط است. ارزش کار معلم در چیزی است که دانش آموز انجام میدهد نه آنچه به خاطر میسپارد یا صرفاً میداند.

دیدگاه تجربه گرایی (رفتاری) تصویری مکانیکی از یادگیری دارد؛ اما دیدگاه خردگرایی (شناختی) تصویری پویا و ارگانیک از یادگیری دارد.

جدول ۱-۴. مقایسه دیدگاه‌های یادگیری تجربه‌گرا و خردگرا (ریگان، ۱۹۶۶)

دیدگاه خردگرا (ارگانیستی)	دیدگاه تجربه‌گرا (مکانیستی)
۱. رفتار انسان از الگوی رشد موجودات زنده پیروی می‌کند.	۱. رفتار انسان از قوانین حاکم بر ماشین پیروی می‌کند.
۲. یادگیری جریانی رشد، کمال و تمایز انسان است.	۲. یادگیری، جریانی فزاینده و اثباتی است.
۳. اجزا به دلیل رابطه‌شان با کل معنا دارند.	۳. اجزا به صورت مجزا معنا دارند.
۴. یادگیری، کل وجود ارگانیسم را دربر می‌گیرد، نه فقط سیستم عصبی را.	۴. یادگیری، نتیجه تشکیل پیوندها و ارتباطات خاص در سیستم عصبی است.
۵. یادگیری، نتیجه بینش، کمال و تمایز است.	۵. یادگیری، نتیجه تکرار و تمرین است.
۶. یادگیری یکپارچه است.	۶. یادگیری، قطعه‌ای است.
۷. رشد جسمانی و ذهنی، قوانین مشابهی دارند.	۷. قوانین یادگیری با قوانین رشد جسمانی تفاوت دارند.
۸. یادگیرنده، به ترکیب محرک‌ها یا زمینه ویژه پاسخ می‌دهد.	۸. یادگیرنده به محرک منحصر به فردی از محیط واکنش نشان می‌دهد.
۹. حقایق و مهارت‌ها از طریق استفاده و کاربرد در موقعیت‌های معنادار آموخته می‌شوند.	۹. حقایق (معلومات) و مهارت‌ها به وسیله تمرین در موقعیت‌های کاملاً مجزا آموخته می‌شوند.
۱۰. کل، چیزی بیش از مجموع اجزاست. کل، نحوه ترکیب اجزاست.	۱۰. کل برابر با مجموع اجزاست.
۱۱. کل‌ها مهم‌ترند و ذهن، ابتدا به کل و نحوه ترکیب اجزا واکنش نشان می‌دهد.	۱۱. اجزا مهم‌ترند و ذهن ابتدا به اجزا واکنش نشان می‌دهد.

رویکردهای یاددهی - یادگیری: با توجه به آنچه گفته شد بر اساس مکاتب روانشناسی کارکردگرایی، اراده‌گرایی ساخت‌گرای و رفتارگرایی و نیز دو دیدگاه اساسی تجربه‌گرایی و خردگرایی در عصر حاضر سه رویکرد یاددهی - یادگیری را بررسی می‌کنیم.

● رویکرد یاددهی - یادگیری رفتارگرا یا کاهش‌گرایی

بر اساس رویکرد رفتارگرایی موضوع مهم در یادگیری رفتار آشکار موجود زنده است و پدیده‌های دیگر از قبیل احساس، ادراک اندیشه و سایر فرایندهای ذهنی در پرتو رفتار آشکار قابل بررسی هستند؛ بنابراین از دیدگاه رویکرد رفتارگرایی یادگیری کسب رفتارهای متفاوت است و نحوه کسب رفتار با فرایندهای شرطی‌سازی قابل تبیین است.

رویکرد رفتارگرایی توسط جان واتسون در سال ۱۹۱۳ بر اساس یافته‌های ایوان پاولف ظهور کرد. او با اتخاذ دیدگاه تجربه‌گرا به پیروی از پاولف، نظریه شرطی‌سازی کلاسیک را مبنای تمام یادگیریها قرار داد.

✚ در سال ۱۹۳۸ اسکینر با انتشار کتاب «رفتار موجودات زنده» خود را به عنوان یکی از رهبران نهضت رفتارگرایی معرفی کرد اسکینر تأکید بر «محرک پس‌آیند» را جایگزین تأکید بر «محرک پیش‌آیند» می‌سازد و با توجه به قانون اثر ثن‌دایک، اهمیت وقایعی را بعد از پاسخ می‌آیند خاطر نشان می‌کند. با وجود این او نیز همانند اسلاف به روشهای تجربی متکی است و رویکرد یادگیری کانون توجه خود را به محیط بیرونی معطوف می‌کند. (اسکینر : فرد بر محیط عمل نمی‌کند بلکه محیط بر او عمل میکند)

● بر اساس این رویکرد جنبشهای عضلانی یا واسطه‌های پیرامونی مایه اصلی رفتار به حساب می‌آیند در اثر یادگیری عادت‌ها آموخته میشوند و یادگیرنده از طریق کوشش و خطا به حل مسائل و مشکلات می‌پردازد. فرض اساسی رویکرد رفتارگرایی آن است که یادگیری‌های پیچیده، مثل حل مسئله و آفرینش قابل کاهش به عناصر ساده هستند. به همین دلیل به این رویکرد «کاهش گرایی» نیز گفته‌اند.

بنیادهای فلسفی رویکرد رفتار گرایی را باید در اندیشه‌های فیلسوفان تجربه‌گرا همچون ارسطو، جان لاک جرج برکلی و دیوید هیوم و بنیادهای روان‌شناختی این رویکرد را باید در اندیشه‌های روانشناسانی همچون جان واتسون ثوراندایک، پاولف، ادوارد تولمن، ادوین گاتری کلاک هال و فردریک اسکینر جست‌وجو کرد.

● رویکرد یاددهی یادگیری شناخت‌گرا یا کل‌گرایی

برخلاف رویکرد رفتارگرایی در رویکرد شناخت‌گرایی رفتار آشکار فرد موضوع اصلی یادگیری به حساب نمی‌آید و اصولاً رفتار فرد را ناشی از فرایندهای ذهنی میدانند. از این رو یادگیری برای شناخت‌گرایان تغییرات حاصل در فرایندهای درونی ذهنی اشاره می‌کند که از طریق آنها اطلاعاتی که از طریق حواس ما دریافت می‌شوند، به شیوه‌های متفاوت تغییر می‌یابند به صورت رمز در می‌آیند در حافظه ذخیره می‌گردند و برای استفاده‌های بعدی از حافظه بازیابی میشوند. بنابراین در رویکرد شناخت‌گرایی به جای مطالعه قوانین حاکم بر رفتار، فرایندهای شناختی ذهن بررسی میشوند. در این رویکرد، تجارب پیشین به تنهایی ضامن برخورد درست یادگیرنده با موقعیتهای تازه یا حل مسائل جدید نیست بلکه او برای حل مسئله به بینش یا بصیرت نیاز دارد. در حل مسئله از راه بینش فرد باید روابط ضروری بین عناصر موقعیت جدید را درک کند. علاوه بر این پیروان این رویکرد عقیده دارند نباید رفتارهای پیچیده انسان را به عناصر ساده کاهش و تحلیل داد. بلکه باید رفتارهای پیچیده و کلی مانند حل مسئله و خلاقیت را بر حسب قوانین کلی حاکم بر این نوع رفتارها بررسی کرد. این گرایش به کل‌گرایی نیز معروف شده است.

اساس موضع‌گیری‌های رویکرد شناختی را میتوان در کار فلاسفه‌ای چون دکارت، لایپنیتس و کانت یافت که همگی اعتقاد داشتند داده‌های حسی توده ساخت‌نیافته و متبلوری هستند که فقط ماده‌های خامی برای سازوکار تفسیر محسوب میشوند. روان‌شناسانی همچون ورتایمر، کافکا، کهلر، کورت لوین آلبرت بندورا، جروم برونر و پیازِه از جمله کسانی هستند که خطوط فکریشان تحت تأثیر دیدگاه خردگرایی و رویکرد شناخت‌گرایی است. در این رویکرد (کل) اهمیت ویژه‌ای دارد و همیشه «کل» از اجزای تشکیل‌دهنده اش وسیع‌تر است و به آنها معنا میدهد.

● رویکرد یاددهی - یادگیری انسان‌گرا

بر اساس این رویکرد باید ارزش و مقام انسان را به او شناساند این رویکرد، روشها و رویه‌های خاصی را در فرایند یاددهی - یادگیری ارائه نمیدهد. رویکرد انسان‌گرایی توسط آبراهام مزلو، کارل راجرز و آنتونی سوتیج مطرح شد. گذشته از نقطه شروع تفکر انسان‌گرایانه در خلال دورهٔ رنسانس، دو نهضت فلسفی پدیدارشناسی و اصالت وجود نیز بستر اصلی پیدایش رویکرد انسان‌گرا به شمار می‌روند. مضامین و درون‌مایه‌های اساسی این رویکرد عبارت‌اند: از تأکید بر تجربه‌ی هوشیار، اعتقاد به کلیت سلوک آدمی، توجه به اراده آزاد و احساسات یادگیرنده قدرت انتخاب و اراده و نقش آن در یادگیری و زندگی فرد.

* دون هامچک در مقاله ای معتقد است این رویکرد: به دانش آموز به عنوان کل توجه دارد، بر حال و اکنون تأکید میکند، تدریس و یادگیری را شخصی می کند، از قابلیت انعطاف برخوردار است.

✓ یکی از رویکردهای برنامه درسی فارسی، ابتدایی رویکرد فعالیت محور است که بر رشد و پرورش مهارتها و نگرشها در آموزش زبان تأکید دارد. این برنامه درصدد است که دانش آموزان را با توانایی های زبانی خود آشنا کند و فرصتهایی برای کسب تجربه و برقراری ارتباطهای انسانی و عاطفی فراهم آورد این برنامه برای آموزش و تقویت مهارتهای زبان گوش دادن گفتن خواندن و (نوشتن و تفکر گسترش، گنجینه، لغات شناخت بهتر اطراف و ایجاد ذوق ادبی در دانش آموزان روشهایی را مؤثر میداند.

✓ آموزش خواندن و نوشتن در پایه اول را میتوان به دو دوره «آمادگی خواندن» و «آغاز خواندن و نوشتن» تقسیم کرد. برای آمادگی خواندن میتوان دانش آموزان را به ردیابی دیداری مانند ردیابی تصویرها مفهوم یابی در تصویرها و قصه خوانی از روی تصویرها تشویق کرد. به منظور آمادگی دست برای نوشتن ردیابیهای نوشتاری، کشف حروف از وباری و تکمیل اشکال و، حروف فعالیتهای مؤثری هستند. در شروع خواندن و نوشتن تأکید برنامه بر روش کلی و ترکیبی است و خواندن بر نوشتن تقدم دارد. تکنیکها و روشهای زیر میتوانند برای شروع خواندن و نوشتن مفید باشند:

روش زبان شناختی: در این روش شاگرد به گفتن یا خواندن کلمات هم وزن هم آهنگ و هم قافیه تشویق میشود.

روش های خواندن در ابتدایی: در آموزش این مهارت زبانی، معمولاً از دو روش بلند خوانی و صامت خوانی استفاده میشود بلند خوانی در شروع خواندن، روشی مؤثر است، زیرا در آن از دو فرایند، ادراکی یعنی تمییز شنیداری و تمییز بصری بهره می گیرند. صامت خوانی را میتوان از سال اول ابتدایی شروع کرد این روش برای تندخوانی و مطالعه صحیح مفید است.

روش های عام آموزش

یادگیری از طریق همیاری

▪ این روش در دانش آموزان انگیزه کافی برای یادگیری و انجام فعالیت های آموزشی ایجاد می کند. / در نظریه سینرگوژی مطرح شده است با چهار روش: طرح کارایی گروه، طرح تدریس اعضای گروه، طرح قضاوت عملکرد، طرح روشن سازی طرز تلقی

طرح کارایی گروه (TED)

مراحل اجرا:

۱. دو فکر یا بیشتر، بهتر از یک فکر است هر شخصی می تواند آنچه را می داند، برای دیگران توضیح دهد.
۲. برای آمادگی برای اجرای این طرح معلم قبل از شروع کلاس ابزار یادگیری (کالیف قبل از کار، یک تکلیف خواندنی و یا یک ارائه سمعی بصری و یک آزمون تلفیقی) آماده می کند. کلید آزمون را نیز جداگانه در برگه ای مینویسد. در کلاس دانش آموزان را به گروههایی با اعضای ناهمگن تندآموز کندآموز و متوسط تقسیم میکند.

۳. هر یک از اعضای گروه دانش خود را قبل از بحث گروهی ارزیابی کنند و تکلیف مشخص شده را به طور انفرادی میخوانند
۴. بعد از مرور اولیه دانش آموز به سؤالهای آزمون از موضوعی که قرار است آموخته شود، پاسخ میدهد. (میتواند به متن مراجعه و یا از منابع در دسترس استفاده کند). اعضای گروه با هم بحث میکنند تا به توافق برسند. آنها فرصت پیدا میکنند اطلاعات خود را رد و بدل کنند.
۵. در این مرحله کلید سؤالها در اختیار دانش آموزان قرار میگیرد.
۶. اعضا پاسخهای فردی و گروهی را نمره گذاری و نمره مؤثر بودن یادگیری را محاسبه می کنند .
۷. برای جمع بندی مطالب آموخته شده و همچنین ارزشیابی تکوینی از فراگیرندگان پرسش میشود.

طرح تدریس اعضای گروه (TMTD)

مبتهی بر دو اصل است: هر یک از شرکت کنندگان قسمتهای متفاوتی از موضوع درسی را که قرار است تدریس شود، میخوانند. / هر فراگیرنده میتواند به اعضای گروهش درس بدهد.

بنابراین هر عضو هم به عنوان معلم و هم به عنوان شاگرد عمل می کند / دانش آموز برانگیخته میشود که با مطالعه بخش تعیین شده و آمادگی، کامل به گروه خود کمک کنند با این روش گروه میتواند یادگیری خود را به حداکثر برساند / طرح تدریس اعضای گروه امکان میدهد که مقدار زیادی از موضوع درسی طی یک دوره کوتاه زمانی با مطالعه گروه تحت پوشش قرار گیرد / متن مورد تدریس باید به بخشهای مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد. / بخشها برابر باشند / جهت آمادگی معلم قبل از شروع کلاس ابزار یادگیری آماده میکند. / تشکیل و ترکیب گروه ها در کلاس نیز از وظایف معلم است. / مراحل اجرا:

- برای هر دانش آموز، یک بخش از موضوع تعیین شده است و او فقط تکلیف مربوط به خود را مطالعه میکند.
- دانش آموزان با همتهای خود برای رفع اشکالهای خود و بهبود روشهای ارائه متن، تبادل نظر می کنند.
- وقتی اعضای گروه گرد هم می آیند دانش آموزان به ترتیب و از اول، بخشهای مربوط به خود را تدریس می کنند. اعضای دیگر گروه میتوانند سؤال کنند مخالفت کنند و یادداشت بردارند.
- از کل موضوع آزمونی گرفته میشود.
- کلید سؤال ها در اختیار دانش آموزان قرار میگیرد و آنان نمره های فردی و گروهی را محاسبه می کنند.
- کارایی تدریس دانش آموزان بر اساس جدولهایی که به آنها ارائه میشود، ارزیابی می شود.
- از دانش آموزان به منظور جمع بندی مطالب و اطمینان از یادگیری و ارزشیابی تکوینی سؤال می.

طرح قضاوت عملکرد (PID)

این طرح برای کلاسهایی مفید است که در آنها فراگیرنده باید مهارتهای عملی را کسب کند / این روش در آموزش کار کردن با یک دستگاه نگارش نامه یا گزارش و مواردی از این دست کاربرد دارد. / فراگیرندگان را قادر میسازد

کیفیت کار خود را مورد قضاوت قرار دهند. / تا حدودی از ارزیابی کارشان توسط دیگران بی نیاز می شوند. / برای رشد مهارت در طرح قضاوت عملکرد شش عامل یادگیری ضروری است:

- قبل از بررسی معیارها هر فراگیرنده نمونه مهارت خود را تولید میکند
- هر فراگیرنده در بحثهای گروهی درباره معیارهای مناسب شرکت میکند
- گروه ها معیارهای خود را با استانداردهای تدوین شده مقایسه میکنند و یک مجموعه معیار پالایش یافته ارائه میدهند
- هر گروه عملکرد همکاران خود را در گروههای دیگر ارزیابی میکند و درباره آن نقد می نویسد.
- هر عضو درباره نمونه کار خود نقدی دریافت می کند نمونه و نقد را با اعضای گروه به بحث می گذارد.
- هر شخص این فرصت را دارد که از آموخته های خود در تکلیف دوم استفاده کند.

طرح روشن سازی طرز تلقی (CAD)

طرز تلقی جنبه مهمی از یادگیری احساس اجتماعی است و مساله ای شخصی نیست. / به کار بردن اجباری طرز تلقی شخصی جایی در آموزش ندارد / ولی اگر افراد بتوانند طرز تلقی هایشان را آزادانه کنند بینشی کسب میکنند که به کمک آن میتوانند بر رفتار خود نظارت کنند / اولین مرحله در طرح روشن سازی طرز تلقی به فراگیرندگان کمک میکند با پاسخ دادن به یک سؤال و یا تکمیل یک جمله طرز تلقی خود را ارزیابی کنند. / فراگیرندگان دور هم جمع میشوند تا به کمک شرایط شناخته شده و اطلاعاتی که در اختیار دارند طرز تلقی ها را بررسی کنند / طرز تلقی افراد پس از بحث نیز مورد ارزیابی قرار می گیرد / این طرح فراگیرندگان را قادر میسازد که کشف کنند آیا طرز تلقیشان بر پایه ی محکمی از حقایق، اطلاعات و منطق استوار است؟ / همین طور فراگیرندگان ممکن است دریابند که از طرز تلقی خود درباره موضوعی ناآگاه بوده و از تلقی های موجود دیگری که ممکن بود بتوانند به کار ببرند، اطلاع نداشته اند. --- که اکثر افراد تمایل دارند با افراد دیگری که طرز فکرشان مشابه آنان است ارتباط برقرار کنند / این طرح برای شرکت کنندگان فرصتی فراهم می آورد تا عقاید متنوعی را بشنوند.

شیوه مشاوره - یادگیری

این روش بیشتر در مناطق دوزبانه کاربرد دارد. معلم جلوی کلاس نمی ایستد تا، نقش قدرت و میزان دانش بالاتر او، حالت تهدید کننده ای برای دانش آموزان نداشته باشد. / هنگام برقراری ارتباط، یکی از دانش آموزان پرسشی به زبان مادری میپرسد معلم آن را به زبان فارسی معیار ترجمه می کند دانش آموزان آن را به زبان فارسی معیار تکرار می کنند دانش آموز دیگری به زبان اول به آن پاسخ میدهد معلم پاسخ را به زبان دوم بر می گرداند. دانش آموز دوم آن را تکرار می کند و به همین ترتیب مکالمه ادامه می یابد کم کم دانش آموز قادر میشود، کلمه یا عبارتی را بدون ترجمه به زبان فارسی معیار بیان کند / این شیوه با همه محاسنی که برایش بر می شمارند به چند دلیل نارساست:

- حضور دائمی و مداوم معلم اهمیت دارد و دانش آموزان تلاش فکری چندانی نمیکند. اتکای بیش از حد آنها به زبان مادری شان به تدریج این حس را در آنها به وجود می آورد که میتوانند در هر اجتماع دیگری نیز از آن بهره بگیرند.

- که تا این حد به معلم خود وابسته است نمی تواند زمانی مستقل از او، گفت و گویی را به زبان فارسی اداره کند.
- ممکن است سؤال یا جواب مطرح شده از پیچیدگی های واژگانی یا دستوری برخوردار باشد که بعضی از شاگردان یا حتی کل کلاس از آن بی اطلاع باشند.
- تعداد جمله های زبان نامحدود است / جنبه خلاقانه زبان مورد بی توجهی قرار گرفته است. / باعث افزایش بار حافظه دانش آموزان و احتمالاً ایجاد بی علاقه و کم شدن انگیزه در آنها میشود.
- همه جمله های تولید شده در زبان، اول قابل ترجمه نیستند.

شیوه رفتاری کامل

این شیوه فعالیت بدنی را به طور مستقیم به کاربرد معنادار زبان پیوند میدهد. فرض شیوه رفتاری کامل این است که دانش آموز شنونده محض نیست و تنها نباید به پاسخ های شفاهی او اکتفا کرد. دانش آموزان باید به حرفهای معلم با دقت گوش دهند حرکات وی را مشاهده کنند و به طور عملی دستورات زبانی او را انجام دهند. این شیوه تنها برای تعدادی از واژگان و کاربرد دارد؛ مثل روشن کردن خاموش، کردن، نشستن ایستادن و ... اما برای آموزش مفاهیمی مانند دوست داشتن پرواز، کردن شنا کردن و مانند اینها با محدودیت کامل روبه روست.

شیوه نمایشی

این روش نیز برای آموزش زبان فارسی در مناطق دو زبانه کاربرد دارد. بر مشاهده و دیدن استوار است. تفاوت عمده آن با شیوه رفتاری کامل در این است که در شیوه نمایشی علاوه بر حرکات بدنی، از اشیا و مدل ها و نمونه ها هم استفاده میشود/ این شیوه با شیوه نمایش نامه فرق دارد.

شیوه صامت

این روش نیز برای آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه کاربرد دارد. مانند شیوه رفتاری کامل مبتنی بر این فرض است که دانش آموزان به بافت و موقعیتی که معلم در کلاس به کار میبرد توجه کامل دارند نکته اصلی این است که در این شیوه معلم ساکت است و فقط اعمالی انجام میدهد. یادگیری از طریق تعامل دانش آموزان با مواد آموزشی انجام میگردد. در کاربرد این شیوه فرض آن است که زبان «نتیجه عادت نیست بلکه فرایندی شناختی است که یادگیرنده از آن برای کشف قواعد زبانی استفاده میکنند. در این شیوه از یک وسیله آموزشی که دکمه های رنگی دارد و چارت هایی که عناصر زبانی به صورت رنگی در آنها درج شده اند استفاده میشود معلم با استفاده از این چارت رنگ - صدا تدریس می کند او دانش آموزان را راهنمایی میکند که با فشار دادن دکمه مثلاً آبی، رنگ تلفظ کلمه «قلم» را بشنوند و همزمان با روشن شدن فضای کلمه که آن هم آبی رنگ است آن را روی چارت ببینند. دانش آموزان سپس با آن کلمه جمله ای میسازند و می نویسند.

شیوه نمایش نامه ای

ایفای نقش این شیوه را میتوان برای تجسم عینی موضوع هایی که برای نمایش نامه مناسب هستند به کار گرفت در این شیوه دو یا چند دانش آموز، موضوعی را به صورت نمایش نامه اجرا میکنند. بدیهی است این شیوه تدریس به

مهارت خاص بازیگری نیاز ندارد؛ بلکه معلم میتواند بنا به محتوای آموزشی مورد نظر، به ضرورت از آن استفاده کند. از ویژگیهای مهم شیوه ایفای نقش این است که دانش آموزان، با نمایش و بازیگران آن ارتباط عاطفی برقرار میکنند و با هیجان مراحل نمایش را مشاهده میکنند. / دقت، تمرکز حواس و توجه به مطالب افزایش می یابد. همچنین این شیوه برای مقابله با کم رویی و خجالتی بودن برخی دانش آموزان که در کار زبان آموزی مشارکت کمتری دارند، بسیار مفید است.

شیوه بحث گروهی

یک شیوه تدریس **شاگرد محور** است برای سطوح بالاتر از سطح پایه کاربرد دارد. و برای شاگردان دوره ابتدایی چندان مناسب نیست. در این شیوه معلم در کنار صحنه میماند و اجازه میدهد دانش آموزان با هم صحبت کنند. فقط هرازگاهی به سؤالیهای آنان پاسخ میدهد اجرای این روش از هر روش دیگری دشوارتر است. چون معلم باید کاملاً به روش مسلط باشد و دانش آموزان نیز با آمادگی قبلی وارد کلاس شوند. اداره کردن کلاس گفت و شنود به نحوی که همه دانش آموزان در گفت و شنود شرکت کنند و به اطلاعاتی که رد و بدل میشود علاقه نشان دهند کاری فوق العاده دشوار است. شرایط:

- موضوع بحث مورد علاقه همه دانش آموزان باشد.

- دانش آموزان درباره موضوع منتخب اطلاعات کافی داشته باشند.

- موضوع منتخب مطالب بحث انگیز داشته باشد

- تعداد شاگردان بین شش تا بیست نفر باشد.

شیوه پرسش و پاسخ

معلم به وسیله ی آن، دانش آموز را به بیان مطلب مورد نظر هدایت میکند / معلم با طرح سؤالیهای مناسب در مرحله اول شاگردان را به تفکر دعوت میکند و در مرحله ی دوم آنان را به صحبت کردن وامی دارد. / برای مرور مطالبی که دانش آموزان قبلاً آموخته اند و نیز ارزشیابی مؤثر است / موجب تقویت اعتماد به نفس، تقویت تفکر خلاق و تسلط دانش آموزان بر تلفظ عناصر زبان میشود. / روش های تدریس این شیوه: روش نگاه کن و بگو و روش گوش کن و بگو.

شیوه بازی آموزشی

سودمندی این روش به ویژه در آموزش زبان فارسی به دانش آموزان ابتدایی که در سن کودکی هستند کاملاً روشن است. / از جمله این بازیها یکی آن است که میتوان پس از تدریس تلفظ و معانی چند کلمه مربوط به درس دانش آموزان را به دو دسته تقسیم کرد و برای تقویت درک آنان و یا ارزشیابی میزان آموخته هایشان از آنها خواست تا هر کدام یک نوع پاسخ زبانی بدهند.

شیوه حل مسئله

مسئله ای مطرح می شود این مسئله میتواند از گرفتاری قهرمان قصه شروع شود. دانش آموزان به توصیف و تبیین مسئله میپردازند و راه حل یا راه حل‌هایی برای آن پیدا می کنند پس از بحث و گفت و گو معلم نظرات خود را درباره حل مشکل قهرمان داستان ارائه میدهد و دانش آموزان به بررسی علت وقوع حوادث در قصه ها می پردازند آنها ارتباط علت و معلولی وقایع را کشف می کنند و به پیشگویی نتایج و نظرات مختلف را به یکدیگر ربط میدهند و مقایسه می کنند.

شیوه واحد کار (پروژه)

شاگردان بر اساس موضوعات تعیین شده به صورت گروهی یا فردی به دنبال جمع آوری اطلاعات به خارج از کلاس میروند گزارشی تهیه میکنند و آن را در کلاس عرضه می کنند.

شیوه بدیعه پردازی

روش بدیعه پردازی رویکرد جالبی است که توسط ویلیام گوردون به منظور نوآفرینی و ارتقای خلاقیت طراحی شده استولی بنا به نظر، گوردون جریان خلاقیت را میتوان شرح داد و پرده از مراحل آن برداشت در واقع خلاقیت فعالیت پوشیده و اسرار آمیزی نیست. وی چنین اظهار میدارد که خلاقیت را در فعالیتهای روزانه میتوان دید و می توان فعالیتهای روزانه را خلاقانه کرد. هدف اساسی نوآفرینی یا بدیعه پردازی شکستن سد قواعد مرسوم و ایجاد راههای جدید برای حل مسائل است. مراحل اجرای این روش به قرار زیر است:

- توصیف شرایط موجود
- قیاس مستقیم و تهیه ی فهرست از آن: در این نوع، قیاس موارد ناآشنا را آشنا میکنیم (به نظر شما تبخیر شبیه به چه چیزی است؟ گردباد، فرار کردن پرنده ها از قفس، باز شدن ناگهانی در نوشابه های گازدار)
- قیاس شخصی: شخصی فراگیرندگان بین خود و مفهوم انتخاب شده هم سویی و همدلی ایجاد میکنند. معلم: (مایعی در حال تبخیر است. اگر قرار باشد شما به جای مولکولهای سطح مایع باشید چه میکردید؟ به جایی میرفتم که کسی نزدیکم نباشد و از همه دوری میجستم)
- ۴ قیاس تعارض: در این مرحله معلم از دانش آموزان می،خواهد بر اساس توصیفهای ارائه شده در قیاس، شخصی، مفاهیم متضاد ارائه کنند و سپس از میان این قیاسها بهترین را انتخاب کنند
- قیاس مجدد مستقیم و شخصی در این مرحله تعارضات ادامه می یابد.

کدام روش را برای تدریس کتاب فارسی انتخاب کنیم؟ تدریس سنتی / تدریس مشارکتی و فعال

تدریس سنتی : روش حفظ و تکرار / روش سخنرانی/ روش پرسش و پاسخ/ روش نمایشی/ روش ایفای نقش/ روش گردش علمی/ روش بحث گروهی/ روش آزمایشی (آزمایشگاهی): در این روش ها ویژگی هم یاری دانش آموزان با یکدیگر نادیده گرفته می شود.

تدریس مشارکتی و فعال

اساس تدریس مشارکتی و فعال این تفکر است: «چند فکر بهتر از یک فکر و بازدهی گروه بهتر از کار فردی است» بنابراین یا همه نجات مییابیم یا همه غرق میشویم البته بدیهی است که همه نجات مییابند چون آن که با تو در یک قایق نشسته، هرگز قایق را سوراخ نمی کند.

بنابراین محیط آموزش باید به محیطی تبدیل شود که همه در آن با هم کار کردن را بیاموزند؛ دانسته های خود را به جمع هدیه کنند؛ از دانسته های جمع بهره بگیرند؛ به نظر جمع احترام بگذارند.

یادگیری مشارکتی (هم) یاری

یادگیری مشارکتی در حقیقت اندیشه تازه ای نیست. خیلی پیشتر از ژان ژاک روسو، جان دیویی و ژان پیازه سقراط به روش تدریس فعال توجه کرد. به نظر او معلومات و دانش در درون افراد نهفته است و باید آن را بیرون کشید. نباید اطلاعات را به افراد انتقال داد آفازاده (۱۳۹۳) یادگیری مشارکتی باید بتواند روحیه ایثار گذشت همبستگی و احساس تعلق به گروه را در فرد ایجاد کند در این یادگیری برخلاف یادگیری فردی و رقابتی که دیگران مانع تلقی میشوند هر یک از افراد گروه حامی و پشتیبان دیگر افراد گروه است. همچون مسافران یک کشتی سلامت همه افراد در گروه سلامت جمع است و سلامت و موفقیت جمع به موفقیت تک تک اعضا بستگی دارد. شاگردان همیار عمیقا به این باور میرسند که فقط زمانی میتوانند به همه اهداف خود دست یابند که همه افراد مرتبط با آنها نیز بتوانند به اهداف خود برسند.

طراحی آموزشی برای تدریس فعال

طراحی آموزشی یعنی کشیدن نقشه تدریس به زبان دیگر، یعنی از وقتی وارد کلاس میشویم تا زمان خروج برای هر لحظه هر کلام و هر حرکتیمان برنامه داشته باشیم.

نقشه تدریس کتاب فارسی

کتاب «فارسی» با اهداف چندگانه نوشته شده است که عبارت انداز:

- دانشی و آموزشی؛ از قبیل دانشهای زبان و شناخت محیط پیرامون
- مهارتی؛ یعنی به کار بستن همان دانسته ها یا چیزی شبیه آنها در زندگی
- نگرشی؛ یعنی برخورد مناسب روحی و روانی با دو مورد پیشین

کتاب درسی جزئی از بسته آموزشی است نه تمام. آن کتاب درسی به تنهایی نمیتواند همه ابعاد برنامه درسی را نشان دهد بنابراین همیشه باید کتاب را همراه با سایر عناصر آموزشی ملاحظه کرد. پیش از استخراج نقشه باید به چهار موضوع ساختار کتاب؛ محتوای کتاب؛ اهداف کلی و جزئی کتاب و روشهای تدریس تسلط داشته باشیم.

✓ شش مرحله ی تدریس: اهداف / مفاهیم / تدریس بر اساس اهداف و محتوا با رویکردهای مناسب / دانستن انتظارات از دانش آموزان / ارزشیابی / استفاده از نتایج ارزشیابی

تدریس نگاره ها با روش کلی نگر (پیکره ای):

فقط اهدافی را که اطمینان دارید میتوانید به آنها بپردازید انتخاب کنید تا نیرویتان هدر نرود / حضور هر نگاره بهانه ای است برای ایجاد کنجکاوی و هر کنجکاوی، خواه ناخواه به پرسشهایی منجر میشود که نقطه شروع یاددهی- یادگیری است / نابرای کودک باید از طریق پرسش و پاسخ به سمت دلخواه هدایت شود / پرسشها را طوری طرح کنیم که پاسخ آنها کلی نگر باشد: از این تصویر چه میفهمید؟ - اگر شما به جای این کودک بودید؟

نقشه اصلی زبان آموزی

شامل مراحل زیر است:

• گفت و گو را با جمله آغاز میکنیم

• از درون جمله ها واژه های مناسب و جهتدار کلیدی را انتخاب میکنیم

• از میان واژه های استخراج شده واژه های مناسب را بر میگزینیم و کار تقویت ادراک شنیداری را انجام میدهیم.

مهم ترین مرحله گفت و شنود و پرسش و پاسخ است؛ در این مرحله اقدامات زیر ما را به هدفهای تعیین شده میرسانند:

الف) جمله آموزی

که خود شامل این دو راهکار است

گوش دادن: کودک را در معرض گوش دادن قرار دهیم / در آغاز کار مخصوصاً در مناطق دوزبانه جمله هایی کوتاه، صریح شفاف و نیز گسترده بشنود. آغاز جمله هایمان کمترین واژه را داشته باشند. / ظرفیت را اندک اندک مطابق با توان ذهنی و زبانی بچه ها بالا ببریم / جمله ها با هدف انتخاب شوند؛ / هر جمله با آهنگ خاص خود خوانده شود سؤالی، خبری امری و عاطفی محل تکیه ها در جمله دقیقاً رعایت شود.

تولید جمله سخن گفتن: کوشش کنیم بچه ها هم جمله های شنیده را تکرار کنند؛ / در تکرار نیز آهنگ و محل تکیه ها را در نظر بگیریم؛ / در برابر اشتباهات واکنش آنی نشان ندهیم؛ / خطاهای گفتاری را با ملایمت اصلاح کنیم؛ / به جای اصلاح مستقیم خطاها شکل درست جمله را ادا کنیم؛ / بنا را بر تمرین و تکرار قرار دهیم؛ / جمله ها طی یک داستان پیوسته یا داستانهای کوتاه به کار روند؛ / مقایسه بین دیده ها و شنیده ها بر کیفیت آموزش اثر مطلوب میگذارد.

ب) واژه آموزی

دنیای هرکسی به گستردگی تعداد واژههایی است که در اختیار دارد. هر واژه نیز در مرکز مجموعه ای از واژه ها قرار میگیرد که با آن در ارتباط هستند. این مجموعه را شبکه واژگانی یا شبکه معنایی می نامیم. معمولاً یادآوری و توسعه ی واژه ها به این ترتیب که گفتیم، از طریق سه شبکه کلی زیر اتفاق می افتد که خود ممکن است به راههای دیگری نیز تقسیم شود بصری (دیداری) صوتی (آوایی) و مفهومی (معنایی).

برای کودک ابتدا آنچه میبیند مهم است و در درجه دوم آنچه میشنود. آنگاه که به حدی از رشد فکری، رسید معانی و مفاهیم اشیا برایش شکل می گیرد به همین دلیل آموزش را ابتدا از راه چشم آغاز میکنیم و تصویر بزرگ نگاره در حقیقت اسباب برقراری ارتباط اعضای شبکه تصویری را فراهم میسازد / تشخیص کاربرد و عدم کاربرد واحدهای زبانی ساخته شده نیز یکی از ملاکهایی است که میتوان به وسیله ی آن دایره واژگانی کودک را حدس زد و در صورت لزوم مرمت کرد.

ج) ادراک بصری سواد دیداری

تقویت و پرورش دقت و توجه در پدیدههای عالم از راه خوب دیدن میسر میشود؛ بنابراین، نگاه کردن، سبب پرورش سواد دیداری دانش آموزان و تربیت بینایی آنها می شود.

در مورد گروه بندی؛ هنگامی که دانش آموزان در گروهها کار میکنند رفتار آنها را به دقت زیر نظر داشته باشیم. / در موقع مناسب برای آموزش مهارتها و مسائل دانشی در کار گروه ها مداخله کنیم.

حین نوشتن طرح درس باید به وابستگی مثبت دانش آموزان با یکدیگر کاملاً عنایت داشته باشیم. در گروه کسی به تنهایی یاد نمیگیرد و اگر یاد گرفت نیز حق ندارد دانسته هایش را از دیگران دریغ کند. هیچ یک از اعضای گروه نمیتواند موفق شود یا به تنهایی احساس موفقیت کند مگر اینکه تمام اعضا موفق شوند. هیچ کس اجازه ندارد مستمع آزاد

شگردهایی برای پویاسازی آموزش و یادگیری: گروه بندی / ارائه یک کار هنری / تصویر خوانی / تقویت مهارت مقایسه / ابراز احساسات / تقویت مهارت خوب دیدن خوب سخن گفتن و خوب گوش دادن / شکلهای خواندن: (کلمه «آب» را طوری تلفظ کنید که مخاطب شما ناخودآگاه برخیزد و یک لیوان آب برای شما بیاورد یا کلمه «آب» را طوری ادا کنید که انگار ناگهان پس از ساعتها راه پیمایی زیر آفتاب سوزان در بیابان و تشنگی مفرط به چشمه زلالی رسیده اید.

فصل پنجم

مقدمه :

- ❁ ارزشیابی از عناصر مهم برنامه درسی است دست اندرکاران تلاش می‌کنند تا میزان موفقیت برنامه در رفتار دانش آموز را اندازه‌گیری کنند اگر این عناصر در همه مراحل اجرا به خوبی بیاید.
- ❁ در انتخاب شیوه ارزشیابی اصول حاکم بر ارزشیابی پیشرفت تحصیلی باید رعایت شود: اهداف آموزش زبان فارسی در سه حوزه مهارتی، دانشی و نگرشی مطرح شد و ارزشیابی در خدمت سنجش و اندازه‌گیری این اهداف است.
- ❁ برنامه زبان فارسی با تاکید بر چهار مهارت گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن برنامه ای مهارت محور است. اهداف حوزه های شناختی و نگرشی در برنامه درسی زبان فارسی در خدمت اهداف مهارتی قرار می‌گیرند.

ارزشیابی توصیفی:

الف) اهداف:

- ۱_ بهبود کیفیت فرایند یاددهی یادگیری
- ۲_ فراهم آوردن زمینه مناسب برای حذف فرهنگ بیست گزایی
- ۳_ تاکید بر اهداف آموزش و پرورش
- ۴_ فراهم آوردن زمینه مناسب برای حذف حاکمیت مطلق امتحانات پایانی در تعیین سرنوشت تحصیلی فراگیر
- ۵_ افزایش بهداشت روانی محیط یاددهی_ یادگیری.

محورهای تغییر و تحول در نظام ارزشیابی:

- ۱_ تغییر در تاکید از ارزشیابی پایانی به ارزشیابی تکوینی
- ۲_ تغییر مقیاس فاصله‌ای به مقیاس تقریبی و تنوع بخشی به ابزار جمع آوری اطلاعات
- ۳_ تغییر در ساختار کارنامه به شکل توصیفی و توجه به ابعاد عاطفی و جسمانی و اجتماعی
- ۴_ تغییر در مرجع تصمیم گیرنده درباره ارتقای دانش آموز(به عهده معلم و شورای مدرسه).

ب) ویژگی ها:

- ★ **پویایی:** وقتی یادگیری هدفمند رخ می‌دهد به نوعی ارزشیابی دارد. ارزشیابی جریانی است که پیوسته در کنار یادگیری پیش می‌رود و یادگیری را در مسیر رشد خود سامان می‌دهد و از جریان یاددهی یادگیری جدا نیست و به آن کمک می‌کند و دانش آموز را بهبود می‌بخشد و انگیزه رشد را تقویت می‌کند.
- ★ **بازخورد:** نظر صاحب نظران این است که بازخورد عامل موثر در بهبود عملکرد یادگیرنده است و دو تاثیر عمده دارد یک روند یادگیری فراگیر را سامان می‌دهد دو انگیزه یادگیری را افزایش می‌دهد.
- ★ **کیفی بودن:** ویژگی سوم ارزشیابی توصیفی است و از ابزارهای متفاوتی مانند مشاهده، بررسی تکالیف و تحلیل آزمون‌ها در ارزشیابی استفاده می‌کند. در گزارش پیشرفت تحصیلی به مقیاس رتبه‌ای به جای عددی اشاره دارد که باعث کاهش رقابت بین دانش آموزان و حساسیت آنها می‌شود.
- ★ **عملکردگرایی:** امروز گرایش به ارزشیابی عملکردی بیشتر شده. ویژگی‌های این ارزشیابی: جذاب برای فراگیر، کمک به معلم برای بررسی دقیق فعالیت دانش آموز، اطلاع دانش آموز از توانایی و ضعف خود، مهارت‌های خواندن و نوشتن تنها در ارزشیابی عملکردی قابل اندازه‌گیری اند.
- ★ **فرایندی بودن:** ایجاد فرصت برای معلم و فراگیر تا بهتر یادگیری را مدیریت کرده و در مورد ام مطالعه و بررسی کنند. فعالیت مستمر یادگیری موجب می‌شود دانش آموز بهتر فرایند شناختی اش را شناخته و معلم نیز به فراشناخت کودک (تفکر درباره تفکر) دست یابد و کمک کند تا فعالیت شناختی اش را سامان دهد.

ارزشیابی مهارت‌های زبانی:

الف) **گوش دادن:** این مهارت را نمی‌توان مانند یک ماده درسی تعلیم داد و معلم تنها از راه توجه دقیق به طرز رفتار و عمل دانش آموزان می‌تواند پیشرفت هر یک را تشخیص دهد و ارزشیابی کند.

ملاک ارزشیابی معلم می‌تواند از این قبیل باشد:

۱_ آیا کودک به صحبت دیگران با علاقه گوش می‌کند؟

۲_ آیا می‌تواند پیغامی را بدون تحریف و تغییر برساند؟

...

ب) **سخن گفتن:** از وسایل مهم در رابطه اجتماعی است ولی انفرادی نیست و با گوش دادن و فکر کردن همراه است. ویژگی‌هایی که معلم می‌تواند در باب پیشرفت کودک در مهارت سخن گفتن قضاوت کند:

۱_ آیا کوشش می‌کند که پیش از اظهار مطالب خود فکر کند؟

۲_ آیا خود را با کلمه‌ها و جمله‌هایی که متناسب با سن و کلاس اوست اظهار می‌دارد؟

و ...

شاگردان را باید راهنمایی کرد تا درباره پیشرفت خود و همچنین در مورد سخنرانی دوستان با رعایت انصاف و بدون غرض اظهار نظر کنند.

ملاک صحیح و غلط زبان گفتاری:

* در هنگام ورود به دبستان اختلاف‌هایی در طرز تلفظ و بیان دانش‌آموزانی که از خانواده روشنفکر و کتابخوان هستند در مقایسه با دانش‌آموزانی که از یک خانواده بی‌سواد هستند وجود دارد (قطع نظر از لهجه های شهری و روستایی و گویش های متفاوت).

* آموزگاری که در مورد گفتار شاگرد خود دقیق است هر کلمه ای را که نوآموز بر زبان می‌آورد اصلاح می‌کند. ملاک تلفظ درست لغات از نظر بیشتر آموزگاران کتاب های لغت و دستور زبان فارسی است.

اصولی که ملاک درستی زبان و گفتار اند و باید مورد توجه آموزگار باشد :

۱_ پذیرش آن و روشن گفتار اکثر مردم در حال حاضر

۲_ استفاده از لحظه‌ای که جنبه معیار دارد

۳_ رعایت مدارج اجتماعی در چگونگی انتخاب الفاظ و آشنایی با آداب و اصول بیان شفاهی

۴_ یک دست بودن تلفظ و انتخاب واژه‌ها.

تعریف زبان گفتاری معیار: زبان گفتاری صحیح عبارت از طرز تلفظ و بیان شفاهی است که متناسب با منظور گوینده و قابل تطبیق بر خصوصیات زبان در زمان حاضر باشد و در عین حال بیان و درک آن به وسیله گوینده و شنونده و بدون شکل و قید انجام پذیرد. زبان محصول رسوم و آداب زندگی در یک اجتماع است و هیچگاه ثابت نمی ماند و دستخوش تغییر و تحول است.

(ج) **مهارت خواندن:** چون میزان یادگیری کودکان یکنواخت نیست نباید تحت فشار قرار بگیرند و آموزگار باید هر شاگرد را تشویق کند که به تناسب ظرفیت خود پیشرفت کند .

✓ پیشرفت نوآموزان در خواندن به وسیله آموزگار ارزشیابی می‌شود و به رفع دشواری‌های خواندن توجه می‌شود. اگر نوآموزی به طور مرتب پیشرفت نکرد و اصلاحش از عهده آموزگار بر نیامد ، بدون درنگ به درمانگاه و متخصص مربوط معرفی می‌شود.

ابزارهای اندازه گیری:

آزمون کتبی شامل: سوالات تکمیل کردنی، کوتاه پاسخ ، انشایی و ... (مهارت نوشتن)

آزمون شفاهی شامل: پرسش های شفاهی (مهارت گوش دادن، گفتن و خواندن).

فهرست و آرسی (چک لیست): ابزار اندازه‌گیری عملکرد دانش آموز در روش مشاهده رفتار و شرکت در فعالیت‌ها برای ارزیابی میزان عملکرد دانش آموز در مهارت‌های ارتباطی و توانایی ذهنی است. اطلاعات توسط معلم جمع شده از روش‌ها و ابزار گوناگونی استفاده شود تا اطلاعات جامعی به دست آید. از آن میان می‌توان به مشاهده ، آزمون، کارپوشه،

پروژه، خودسنجی و هم سالان سنجی اشاره نمود. روشهای ارزشیابی براساس اهداف آموزشی انتخاب و به کار گرفته می‌شوند.

مشاهده: در مشاهده میتوان از این ابزارها استفاده کرد: فهرست واری، مقیاس درجه بندی و واقعه نگاری.

فهرست واری:

- فهرستی از ملاک ها و معیارهای معین است که برای جمع آوری اطلاعات در مورد فعالیتی که دانش آموز با آن درگیر هست به کار گرفته می‌شود.
- برای این کار ابتدا فهرستی از رفتارها که قرار است ارزشیابی شوند، تهیه شده و رفتار مشاهده می‌شوند و دستیابی به هر یک از ملاکها را با زدن علامت تیک در برابر رفتار موجود در فهرست مشخص می‌کنیم. رفتارها باید برگرفته از انتظارات برنامه درسی باشد.

مقیاس درجه بندی:

- در این نوع کیفیت ارزشیابی می‌شود. مقیاس درجه بندی وسیله‌ای فراهم می‌کند که می‌توان کیفیت کار دانش آموزان را در ابعاد معینی قضاوت کرد.
- برای تهیه این نوع فهرستی از رفتارها یا ویژگی‌هایی را که قرار است ارزشیابی شوند آماده کرده و برای هر رفتار یک مقیاس کیفی و مدرج در نظر می‌گیریم.

انواع آن: ۱_ عددی ۲_ نگاره ای ۳_ نگاره ای توصیفی ۴_ مشاهده ای رفتار.

۱_ مقیاس درجه بندی عددی:

❖ ساده‌ترین نوع مقیاس است و زمانی قابل استفاده می‌باشد که ویژگی‌های مورد ارزشیابی قابل طبقه بندی باشند و نیز در مورد طبقه‌ای که هدف هر عدد است توافق وجود داشته باشد.

مثال: با قرار دادن عدد مناسب مقابل هر جمله میزان تحقق رفتار مورد نظر را در بحث کلاسی تعیین کنید.

عالی: ۵ بالاتر از متوسط: ۴ متوسط: ۳ زیرمتوسط: ۲ ضعیف: ۱

۲- مقیاس درجه بندی نگاره ای:

❖ در این مقیاس از خطوط افقی استفاده می‌شود و از ارزیاب خواسته می‌شود تا نظر خود درباره کیفیت ویژگی مورد مشاهده را در طول یک خط مستقیم مشخص کند. در طول خط مجموعه‌ای از مقولات، مکان یا نقاط خاص را مشخص می‌کنند.

مثال: با گذاشتن علامت ضربدر روی خط افقی مربوطه می‌تواند میزان تحقق رفتار مورد نظر را در بحث کلاسی تعیین کند.

دانش آموز تا چه اندازه در بحث کلاسی شرکت میکند؟

۳- مقیاس درجه بندی نگاره ای توصیفی :

❖ در این نوع درجات روی مقیاس می‌شوند. این توصیف‌ها عبارت‌هایی‌اند که به صورت رفتاری نشان می‌دهند دانش آموز در مراحل مختلف مقیاس چگونه عمل کرده است.

مثال: کیفیت کار دانش آموز را در انجام تکالیف درسی چگونه ارزیابی میکنید؟

(با قرار دادن تیک روی خط مربوط به هر سوال)

۴- مقیاس درجه بندی مشاهده ای رفتار:

❖ در این نوع فهرستی از ویژگی‌های مهم که باید درجه بندی شوند تهیه شده و از مشاهده گر خواسته می‌شود تا رفتار مورد نظر را در مدتی معین و با درجه فراوانی تعیین کند.

مثال: میزان وقوع رفتاری که در طی یک از دانش آموز سر زده را درجه بندی کنید.

عوامل موثر بر بهبود مقیاس درجه بندی:

۱_ انتخاب ویژگی‌های مهم از نظر آموزشی

۲_ ویژگی‌های مورد ارزشیابی را طوری بیان کنید که مستقیماً قابل مشاهده باشد.

۳_ ویژگی‌ها و درجات مورد ارزشیابی را به روشنی تعریف کنید.

۴_ شماره درجات مقیاس معمولاً حداقل ۳ و حداکثر ۷ است.

۵_ از دانش آموزان بخواهید رفتار مورد نظر را مشاهده و ارزشیابی کنند.

واقعه نگاری:

روش مشاهده مستقیم رفتار _ برای اندازه گیری میزان تحقق اهداف آموزشی در حوزه های عاطفی و روانی _ حرکتی استفاده می‌شود. می‌تواند تصویر کاملی از تغییر رفتار دانش آموز به دست دهد.

برای اثربخشی و نتیجه دهی واقعه نگاری رعایت نکات زیر لازم است:

۱_ توصیفی واقعی از رویداد و زمان آن

۲_ تفسیر واقعه و اعمال پیشنهادی از توصیف رویداد مجزا باشد

۳_ هر یک از موارد ثبت رویداد تنها شامل یک رفتار باشد

۴_ آنچه ثبت میشود از لحاظ رشد و تحول دانش آموز مهم می باشد

۵_ آن قسمت از ویژگیهای حوزه های رفتاری مورد واقعه نگاری قرار گیرد که از طریق دیگری قابل ارزشیابی نباشد.

آزمون:

انواع آزمون:

الف) آزمون کتبی:

که به دو دسته تقسیم میشود:

۱_ آزمون های عینی یا بسته پاسخ: سوالاتی است که هم سوال و هم پاسخ در اختیار آزمون شونده قرار می گیرد تا پاسخ صحیح را مشخص کند. مثل: آزمون های چند گزینه ای _ جورکردنی _ صحیح یا غلط .

۲_ سوالات تشریحی: که به دو دسته گسترده پاسخ و محدود پاسخ بخش می شود.

یک یا چند سوال تشریحی ارائه شده و دانش آموز باید به صورت توصیفی یا خلاصه نویسی شرح دهد.

ب) آزمون های شفاهی:

در این نوع معلم برای اطلاع از پیشرفت تحصیلی دانش آموز سوالات را به صورت شفاهی و رو در رو از او می پرسد و می تواند از این طریق مشکلات یادگیری فراگیران را تا حدود زیادی مشخص و اصلاح کند.

ج) آزمون های عملکردی:

آزمون هایی که فرایند و نتایج یادگیری دانش آموز را به طور مستقیم می سنجد و با دانش و مهارت سروکار دارد و برای آگاهی از میزان شناخت و مهارت دانش آموز خوب است.

مثل: سخنرانی _ روزنامه دیواری _ اجرای نمایش و ...

د) آزمون کتبی عملکردی:

در سنجش عملکرد مفید است. تفاوت آن با آزمون کتبی این است که در آزمون کتبی میزان دستیابی به اهداف حوزه شناختی مورد سنجش قرار می گیرد اما آزمون کتبی عملکردی بر کاربست دانش و مهارت در موقعیت عملی تاکید میشود. در این نوع یا نتایج پایانی یادگیری ارزشیابی میشوند یا مراحل میانی عملکردی که برای رسیدن به نتیجه ضروری هستند.

آزمون کتبی عملکردی به عنوان وسیله ارزشیابی اطلاعات مقدماتی فرد مورد استفاده قرار می گیرد. مثل: نوشتن داستان کوتاه، طرح یک مسئله ریاضی، تهیه گزارش و بازدید علمی.

ه) آزمون شناسایی:

کاربرد در سنجش غیرمستقیم. کاربرد و انواع متفاوت دارد. می‌توان از یادگیرنده خواست تا یک ابزار و چگونگی عملکرد آن را شناسایی کند یا اینکه مشکل ابزار را رفع کند.

مثل: تشخیص روش درست یک مسئله در ریاضی، تشخیص صداهاى طبیعت در درس هنر و ...

انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده:

در این نوع از یادگیرنده می‌خواهند همان اعمالی را انجام دهد که در موقعیت واقعی با آن روبرو می‌شود. کاربرد آن را می‌توان برای ارزشیابی توانایی‌های یادگیرندگان در کارهای مختلف نام برد. و می‌توان از نتایج یادگیری سود جست.

مثل: درس تربیت بدنی، ضربه زدن به توپ یا حرکات شنا و در درس علوم کار آزمایشگاه.

نمونه کار: این روش نزدیک‌ترین روش ارزشیابی به عملکرد واقعی است و یادگیرنده در محیط طبیعی ارزشیابی می‌شود. مثل: آموزش رانندگی، خواندن یک شعر، اجرای یک نمایش.

ملاحظات لازم برای تهیه آزمون عملکردی:

۱_ تعیین نتایج مورد انتظار با مشارکت دانش‌آموزان

۲_ موقعیت آزمون واقع بینانه باشد

۳_ استفاده از راهنمایی‌ها و دستورالعمل‌ها در حین اجرای آزمون.

پروژه:

پروژه یکی از روش‌هایی است که فرصت ارزشیابی توصیفی از فرایند و محصول یادگیری دانش‌آموزان را به خوبی فراهم می‌آورد.

اگر فعالیت‌های پروژه به درستی هدایت شوند از موثرترین شیوه‌ها در سهیم کردن دانش‌آموزان در فرایند آموزش خواهد بود. فعالیت‌های پروژه برای دانش‌آموزان فرصت آموختن برای به کار بستن فراهم می‌کند.

پروژه‌های دانش‌آموزی که هدف برنامه درسی دارند پیچیده‌تر از تکالیف معمولی‌اند و به دو صورت گروهی و انفرادی انجام می‌شوند.

عنوان فعالیت را معلم یا دانش آموز یا هر دو می توانند انتخاب کنند و محل انجام آن ممکن است کلاس یا خارج از کلاس باشد .

این روش به معلم فرصت می دهد تا تفاوت های دانش آموزان را شناسایی کند و سپس کار انفرادی یا گروهی را در کلاس ارائه دهند.

پروژه دانش آموزان چگونه هدایت و ارزشیابی می شود

مواردی که دانش آموزان باید در انجام پروژه در نظر بگیرند:

- ۱_ از اهداف و حدود انتظارات پروژه آگاه شوند
- ۲_ والدین دانش آموزان در جریان پروژه باشند
- ۳_ دانش آموزان به طور انفرادی یا گروهی برنامه خود را مشخص کرده و زمانی را برای ارائه خود اعلام کنند
- ۴_ در زمان مقرر گزارش خود را در کلاس ارائه دهند
- ۵_ دانش آموزان بر اساس فهرست انتظارات و با نظر خودشان ارزشیابی شوند.

مزایای استفاده از پروژه:

- ۱_ خصلت جستجوگری و کنجکاوی در فراگیران زیاد می شود
- ۲_ مهارت حل مسئله پرورش می یابد
- ۳_ فرصت همکاری مثبت بین افراد زیاد می شود
- ۴_ افزایش مهارت نقادی و نقد پذیری
- ۵_ تولید محصول کی با استفاده از استعداد دانش آموز
- ۶_ افزایش اعتماد به نفس فراگیر
- ۷_ فرصت برنامه ریزی برای پرسش و پاسخ دانش آموز
- ۸_ بهره جستن معلم از فرصت های متفاوت برای ارزشیابی فراگیران
- ۹_ کشف زمینه استعداد فراگیران.

خودسنجی:

ارزشیابی فرد از عملکرد خود برای افزایش مراقبت از یادگیری.

هدف اساسی در این روش ایجاد احساس مسئولیت بیشتر نسبت به یادگیری.

برای ایجاد زمینه مناسب اجرای خودسنجی:

ابتدا دانش آموز تعیین ملاک‌های ارزشیابی مشارکت داشته باشند این مشارکت باعث می‌شود بخشی از مسئولیت ارزشیابی بر عهده دانش آموز قرار گیرد.

ارزشیابی از خود ممکن است دشوار باشد اما نباید صرف نظر کرد و با دادن سرخ به آنان کمک کرد. خودسنجی به منظور تاثیر مثبت بر یادگیری است و طراحی و نظارت بر آن باید با شیوه ظریف و خردمندانه صورت گیرد.

نکات لازم در خودارزیابی:

۱_ آشنایی دانش آموز با اهداف آموزشی

۲_ کمک به دانش آموز در تعیین معیارها

۳_ تعیین آنچه یادگرفته آید

۴_ تعیین آنچه میخواهید یاد بگیرید

۵_ کمک به دانش آموز برای تصمیم گیری و اصلاح کار و ...

هم سالان سنجی:

یعنی ارزشیابی دانش آموز از فعالیت‌های یادگیری همسالانش.

در این نوع توانایی بررسی و تحلیل عملکرد در دانش آموز تقویت می‌شود. نظارت و مدیریت معلم ضروریست. دانش آموز برای سنجش به معیارهای دقیق نیاز دارد در غیر این صورت دچار قضاوت نادرست از یکدیگر می‌شوند. مثلاً فضای یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار است اگر کودکان در شرایط رقابتی کار کنند ممکن است در ارزشیابی آنچه چه از رقیبان خود می‌بینند سخت‌گیری کنند.

کارپوشه:

مجموعه های هدف دار و منظم از کارهای دانش آموزان است که نشان از موفقیت و پیشرفت شان هست.

در این مجموعه دانش آموزان به یادگیرندگان پویا و فعال تبدیل میشوند و در برابر یادگیری خود مسئول اند.

در واقع کارپوشه وسیله ای برای نظم بخشیدن و هدفمند کردن اطلاعات جمع آوری شده است. کارپوشه مجموعه‌ای از کارهای هدفدار یادگیرنده است و به او امکان می‌دهد تا توانایی خود را از جهات مختلف به نمایش بگذارد و فرصت شناخت و اصلاح اشتباهات را به یادگیرندگان می‌دهد.

چیزهایی که می‌توان در کارپوشه قرار داد:

۱_ خلاصه‌ای از فعالیت‌های داخل و خارج مدرسه

۲_ گزارش کارهای فردی و گروهی

۳_ اظهار نظرهای فردی دانش آموز

۴_ تکالیف درسی و منزل

۵_ آزمون

۶_ اظهار نظرها مشاهدات و رفتارهای ثبت شده توسط معلم.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی بر اساس محتوای کارپوشه:

معلم باید فهرستی از انتظارات آموزشی را در اختیار داشته باشد در صورت تحقق هر یک از آنها بازخورد متناسب را به صورت کتبی و شفاهی به والدین دانش آموز ارائه دهد .

مثلاً: اگر انتظار آموزشی تشخیص نشانه های زبان فارسی محقق نشده بود بازخورد لازم را به والدین دهد .

علاوه بر محتوای کارپوشه ظاهر آن هم به لحاظ خلاقیت و زیبایی و تنوع و ... مهم است و ارزشیابی می شود.

تذکرات مهم در مورد املای دانش آموز:

۱_ هر مورد غلط را در کل املا تنها یک بار می‌گیریم مثلاً اگر کلمه صبر را سه بار سیر بنویسد یک بار غلط می‌گیریم

۲_ موارد دو املایی عمدتاً کلماتی هستند که در کتاب‌های درسی به دو شکل دیده می‌شوند و قرار است در آینده

شیوه املایی واحدی داشته باشند ۳_ موارد کم یا زیاد گذاشتن دندانه و نقطه در کل املا دو بار محاسبه خواهد شد

۴_ تشدید در پایه اول دبستان به عنوان یک نشانه تلفظی آموزش داده می‌شود و نباید در ارزشیابی به آن نمره اختصاص داد.